



جلسه ۴۱۳
(روز ۳ شنبه ۱۰ خردادماه ۱۳۳۹)

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز ۳ شنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۳۹

فهرست مطالب :

- | | |
|--|--|
| ۱ - تصویب صورت مجلس | ۶ - تقاضای آقای مهندس خسرو هدایت وزیر مشاور دائر باصلاح اشتباه چاپی در قانون ۴۲ میلیون دلار وام جهت ساختمان سد دز و تأیید آن |
| ۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان خلعت بری - دولت آبادی | ۷ - مذاکره و تصویب یک فوریت مطرح گزارش کمیسیون فرهنگ راجع ساختمان دبستانهای کشور |
| ۳ - شور دوم گزارش کمیسیون امور اجتماعی و کار راجع به تبدیل نام وزارت کار و بوزارت کار و امور اجتماعی | ۸ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |
| ۴ - طرح و تصویب گزارش کمیسیون بودجه راجع بهضویت دولت ایران در مؤسسه بین المللی توسعه و ارسال به مجلس سنا | |
| ۵ - شور دوم و تصویب گزارش کمیسیون دادگستری راجع به تعقیب | |

مجلس یکساعت و پنجاه و پنج دقیقه پیش از ظهر برپاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱ - تصویب صورت مجلس

- رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
(بشرح زیر خوانده شد)
- غائبین با اجازه - آقایان : قوام - دادگر - مهندس فیروز دکتر امین - سنندجی - بزرگک - ابراهیمی - غضنفری - خرازی - اریه - محمودی - قراکزلو - کدیور - صراف زاده - اورنگ - مهندس جفردی - رامبد - حشمتی - مهندس بهبودی .
- غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر طاهری - قرشی .
- رئیس - نسبت به صورت جلسه نظری نیست؟ آقای ابتهاج **ابتهاج** - یک کلمه از عبارت بنده حذف شده اصلاح میشود و به تند نویسی میدهم .
- رئیس - بدهید - دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد)
- تصویب صورت جلسه اعلام میشود .
- ۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان : خلعت بری - دولت آبادی
- رئیس - امروز نطق های قبل از دستور است . آقای

خلعتبری بفرمائید .

خلعتبری - بنده بعلمت نبودن وقت رئیس مطالب را عرض میکنم و آن اینست که بنده معتقدم هر وقت فرصت مناسبی در مملکت برای پیشرفت امور اقتصادی باشد آن را نباید از دست داد بنده بنا وضعی که در شش سال اخیر ایران داشته است و آرامشی که داشته برای پیشرفت امور اقتصادی تذکرانی داده ام و اکنون که ۶ سال میگذرد نمایندگان محترم تصدیق میفرمایند که اغلب تذکراتیکه بنده راجع به کشاورزی و اقتصاد دادم هیچ مورد توجه قرار نگرفت بنده حل مشکل هزینه زندگی بهبود وضع زندگی مردم و اصلاح اساسی مملکت را مرهون یک رژیم سالم اقتصادی میدانم و فکر کردم در مملکت منا فقط رژیم متکی بفعالیت فردی فقط یک رژیم متکی به فعالیت خصوصی مملکت را نجات میدهد و وضع مملکت را بهتر میکند ، اقتصاد مملکت را اصلاح میکند یک رژیم متکی بمردم سرمایه گذاری و فعالیت مردم بمقیده بنده بفتح مملکت است و یک رژیم دخالت دولت سرمایه گذاری دولت باعث

میشود که اقتصاد مملکت ترقی نکند حزب کارگر انگلیس که سوسیالیست است در ماده ۴ برنامه اش تجدید نظر کرد و گفت ملی کردن صنایع راه حل اقتصاد مملکت نیست و فعالیتهای فردی و خصوصی را بنیاد از دست داد بنده از پاپ کاتولیک تر شدن را صلاح نمیدانم واضح و صاف و روشن عرض میکنم که یار ژیم لیبرال، اقتصاد آزاد یار ژیم انکس بدولت و انا نیستم و سرمایه گذاری دولت بین این دو اگر رقیتم، با کمال صراحت عرض میکنم که راه نجات نداشتیم و از لحاظ اقتصادی فنا شده ایم بنده عرض میکنم که باید برنامه اقتصادی این کشور رژیم فعالیت های فردی و خصوصی باشد برای این منظور بنده این را بطور اختصار عرض میکنم که مورد توجه قرار بگیرد اول تحولات اقتصادی اصلاحات مملکت: این برنامه های اصلاحات باید بتدریج صورت بگیرد اگر بخواهیم برنامه های آمریکا و انگلیس و فرانسه را در مملکت خودمان در ظرف ۴ سال، ۵ سال، ده سال اجرا کنیم خود کشی اقتصادی است مثل تر که عدم رضایتی که در ترکیه ایجاد شد بیشتر مربوط به کارهای غلط اقتصادی بود که کار صد سال را میخواستند در ظرف ۵ سال بکنند امکانات نیست، برنامه نیست، متخصص و کادر فنی نیست بنا بر این فشار بر مردم وارد می آید نسل موجود ناراضی میشود و از عهده بر نمی آید و وسط کار ناچار عصیان میکنند و به هدف نمیرسد بنابراین وقتی فکر ما غلط باشد فایده ای ندارد ما برنامه هایمان باید بدون تقلید از انگلیس و آمریکا آلمان باشد ولی در یک کار باید تقلید بکنیم یعنی از ۵۰ سال پیش آلمان ۵۰ سال پیش انگلیس و آمریکا که مالیات بر درآمد نبود و انواع تسهیلات فراهم بود و سرمایه گذاری تشویق میشد و توانستند با این وضعیت دستگاه های عظیم صنعتی بوجود بیاورند بنا بر این مالیات های ۵۰ و ۸۰ درصد و این قیود سختی که برای مالیات قائل شویم سبب میشود که جلوی این پیشرفت ها گرفته شود این را باز عرض بکنم که مالیات باید همه بدهند هیچکس نباید از دادن مالیات فرار کند ولی قوانین آنجا بدر اینجا نمیخورد و الله بنتیجه نمیرسد دیگر تغییرات در قوانین است در این چند سال اخیر ما دیدیم که در قوانین مخصوصاً قوانین مالیاتی زیاد تغییر داده شد این تغییرات در قوانین سبب میشود که مردم اعتماد به سرمایه گذاری پیدا نکنند ما چهار قانون مالیات بر درآمد در ظرف سه سال داشتیم با این ترتیب دیگر کسی نمیتواند بیاید سرمایه بگذارد و فعالیت کند بنا بر این قوانین باید با مطالعه باشد برای یک قانون مالیات باید حداقل دو سال مطالعه کرد نه در یک

کمسیون در بسته در ظرف یکماه، دو ماه یک قانون مالیاتی را عوض کنند چون تمام اشخاص که برنامه های توسعه و عمران دارند باین ترتیب برنامه هایشان متوقف میشود و در آینده اطمینان نمیکند یک علت عمده برای اینکه خارجیا در ممالک ما برای کارهای بزرگ سرمایه نمی آورند متغیر بودن قوانین ما مخصوصاً متغیر بودن قوانین مالیات است و این را اگر توجه کردیم شاید آنها تشویق بشوند و سرمایه های اساسی نه برای کولا و آشامیدنی های دیگر بیاورند. مسأله سوم عدم دخالت دولت است در امر کارخانه و تجارت تا کثون هر چه که دولت در این کارها کرده ضرر داشته حالا باید جلوی این ضرر را گرفت دولت نباید با مردم رقابت کند در کسب و کار دولت اگر خواست در فروش کندم و جو با مردم رقابت کند زراعت تعطیل میشود دولت فروشگاه فردوسی باز میکند و به هزار کاسب ضرر میزند آنها را بیکار میکنند آنها میگویند ما با دولت نمیتوانیم رقابت کنیم دولت بوسیله نگاه راه آهن با اتوبوس رانی رقابت میکند و همینطور در کارخانه ها دولت رقابت می کند مستشار می آورد و مشاور می آورد با ماهی ۱۵۰۰ دلار آن وقت کارخانه قندی که مردم وارد میکنند نمیتواند ۱۵۰۰ دلار بیک مهندس بدهند باید جلوی این رقابت ها گرفته شود باید دولت راه نمائی کند امروز کارخانه های ما داریم که با اندازه ظرفیتشان نمیتوانند کار کنند باید اجازه داد کارخانه جدید بیاید مگر آنکه کارخانه های موجود با تمام ظرفیت کار کنند این ارشاد و راه نمائی است چهارم حمایت دولت از محصولات و مصنوعات داخلی، برنامه این چند سال اخیر بدون توجه باین اصل تدوین شده اگر واردات و صادراتتان توازن ندارد برای اینست که ما درست توجه باصل حمایت از محصولات داخلی نکردیم ما اگر مجبور می کردیم وارد کنندگان را که در مقابل جنس ما را از مملکت ببرند و صادر کنند همانطور که مصر با ژاپن کرد و ۷۵ درصد از وارداتشان را میدهند محصول مصر را میگیرند ما هم میتوانستیم که بین صادرات و واردات توازن برقرار کنیم اقتصاد ما سالم نیست چون الان توازن در واردات و صادرات نداریم نمیتوانیم بگوئیم اقتصاد سالم داریم مثلاً خشکبار ما حمایت نمیشود از محصولات صادراتیمان باید حمایت کنیم خشکبار ایران در این ۱۰ - ۲۰ سال چندین برابر سابق است، طبقه بندی و بسته بندی آن بهتر از سابق است، خیلی پیشرفت کردیم منتهی در بعضی از ممالک حمایت میکنند محصولات صادراتی خشکبارشان را که ۵۰ درصد در مقابل صادرات خشکبار به صادر کنندگان کمک میکنند یعنی اگر یک دلار صادرات خشکبار

دارد ۵۰۰۰ سنت دولت بهش میدهد بنابراین کسیکه برای یک دلار بیشتر از نصف از دولتش پول میگیرد او در بازار فروش با ما رقابت میکند میاید جنس خود را به نصف قیمت عرضه میکند این که يك را دولت ترکیه به صادرات خودش میکند ولی خشکبار ما به صفر رسیده میخواهم عرض کنم که این برنامه هائی است که در تمام نقاط باید مورد توجه قرار گیرد و بدون توجه باین اصول اقتصاد مملکت يك اساس سالمی نمیتواند بگیرد مسأله پنجم سیستم مالیاتی کشور است من معتقدم که هر فرد ایرانی باید مالیات بدهد هیچکس نباید از دادن مالیات فرار کند ولی این را آقایان تصدیق بفرمائید که ما در مملکتمان تا حالا سیستم مالیاتی که بتواند موجب جلب اعتماد مردم بشود نتوانستیم برقرار کنیم جناب سر قیاب صفاری و آقایان دیگر عضو کمیسیون قوانین دارائی تشریف دارند میدانند که دو سال پیش دولت يك لایحه ای آورد که معافیت کارخانه هائی که مطابق قانون معاف بودند لغو کرد همه آقایان شاهد هستند که من در کمیسیون مخالفت کردم و بشدت مخالفت کردم و دولت توجه کرد چون اعتراض شد توجه پیدا کرد بالاخره بنده پیشنهاد کردم که باید تولید از ۵۰ درصد مالیات معاف باشد دولت موافقت نکرد بنده خواستم عرض کنم خود دستگاه هم اگر ارشاد صحیح از طرف اشخاص نشود نمیتواند راه صحیح برود باید هدایت کرد در موضوع مالیات باید مردم را تشویق کنیم سرمایه گذاری که پولهای کلان برای کارهای تولیدی بگذارند ولی باید امنیت در مقابل دستگاه مالیات داشته باشند امنیتی که در سایر ممالک هست رقم و تشخیص مالیات را نباید از خارجه تقلید کنیم ولی سیستم قضائی مالیات را باید از خارجه تقلید کنیم در امریکا محاکم مالیاتی هست در جاهای مختلف کشور که قضات آن محکمه را رئیس جمهور انتخاب میکنند برای مدت معینی در ظرف آن مدت هیچکس حق عزل آن را ندارد بنابراین افراد مالیاتی که میخواهند بهر دلیلی اعتماد دارند که دستگاه نمیتواند تعدی کند محفوظ هستند، اینچنین در مقابل دستگاه های دولت از لحاظ مالیات امنیت قضائی نداریم که بآن دسترسی پیدا کنیم همین هیأت حل اختلاف که هست جناب آقای مشایخی شاهد هستند آن را در کمیسیون بنده پیشنهاد کردم حالا يك هیئت حل اختلاف هست ولی هیأت حل اختلاف محکمه نیست هیأت حل اختلاف قابل عزل است از آراء هیئت عمومی دیوان کشور تبعیت نمیکنند محاکم تبعیت میکنند اینست که برای وصول مالیات برای اینکه مردم بتوانند سر دولت کلاه بگذارند و نه دستگاه بتواند

بمردم تعدی کند چون در دستگاه مأمورین خوب هستند و زیاد هم هستند ولی مأمورین بد هم هستند و برای اینکه جلوی مأمورین بد گرفته شود اگر ما قوانین صحیح داشته باشیم مأمورین ما هم جرات نمیکنند ملاحظه میکنند بطریقی که ملاحظه فرمودید اگر يك آدم سرشناسی را همین که از او يك مالیاتی مطالبه کنند یا بکروز توقیفش کنند روزنامه ها مینویسند رادیو میگوید در صورتیکه يك چیز بسیار عادی است يك آدم مالیات نداده گرفته اند او را، این را خواستم عرض کنم که دولت باید سعی کند يك سیستم مالیاتی صحیح بر اساس عدالت و اعتماد مردم باینکه يك دستگاه قضائی ضامن حقوق مردم است باید بوجود بیاورد و اگر بوجود نیاید بنده عرض میکنم که سرمایه های سنگین بکار نخواهد افتاد این تذکری بود که خواستم عرض کنم.

رئیس - آقای خلعتبری از وقت جنابعالی در دقیقه مانده خلعتبری - بنده دو دقیقه بیشتر صحبت نمیکنم. در خارجه هم خیلی ها هستند که از مالیات دادن فرار میکنند ولی يك چیزی که هست در ایران مالیات و عوارض و مخارج و هزینه هائی که مردم برای کارهایشان میدهند بقدری زیاد است که اگر جمعاً حساب کنیم ما کمتر از خارجی مالیات نمیدهیم خیلی مالیات هائی بعنوان مختلف میپردازیم که بحساب نمی آید مالیات بایستی متناسب باشد مالیات زیاد فایده ندارد و قابل وصول نیست مالیات هر قدر کمتر باشد و در وصول رعایت قواعد جدیدی را بکنند که با مردم خوش رفتاری بیشتری بشود این بنظر من راه حل بهتری است برای وصول مالیات تا مردم بتدریج انس بگیرند به سیستم هائی که ممالک دیگر بعد از ۴۰ سال ۵۰ سال پیش گرفته اند يك قسمت آخر که میخواستم عرض کنم واقعاً راهنمائی است ممالکی که برنامه های صنعتی و کشاورزی و عمرانی دارند اینها هیچوقت رجال و دولت ها و مسئولینشان نباید برای اظهار کار بکنند یعنی عملی کنند که بظاهر يك اشخاص خوشنود بشوند چون جلب عوام و کسب و جهد کار آسانی است اشخاصیکه متصدی مقاماتی هستند باید بیایند با کمال رشادت و صداقت بگویند ولو اینکه عامه نپسندد و اگر يك کاری را عامه نپسندید آدم عاقل آدمیکه برنامه صحیحی دارد نباید فکر کند که چون عامه نمی پسندد نباید آنرا انجام داد خوب اگر ما قرضیه نفت را آروز نمیگذرانیم امروز ۲۵۰ میلیون دلار داشتیم و نفت ما را کویت و عراق تولید میکردند

و میدادند آن روز من میتوانستم بیایم گریه کنم واشک بریزم که ای امان وجه وجه اما حالا ۲۵۰ میلیون دلار داریم ولی اگر در مصارفش اشتباه کردیم چیز دیگری است ولی الان این را داریم بنابراین میخواستم عرض کنم اگر صد هزار نفر کارگر جمع شوند يك کارخانه ای که آقای کورس سرمایه گذاشت و کارخانه درست کرد نمیتواند درست کنند ولی آقای کورس يك کارخانه درست کرد که ۴۰۰ نفر کارگر الآن کار میکنند و وضع زندگی بهتر شده بنابراین روی حساب این که مردم راضی بشوند و مردم جلب بشوند نباید با سرمایه دارها جنگ کنیم و آنها را کردن کلفت و متعدی بخوانیم هر روز اشخاصی که قصد سرمایه گذاری دارند پولشان و اثریشان را میگذارند بجای اینکه پولشان را بفراستند خارج کارخانه وارد میکنند زمین بائر را دایر میکنند باید اینهارا تشویق کرد باید کارخانه زیاد باشد در مملکت ما تا قدرت خرید کارگر زیاد بشود و سطح زندگی بیاید بالا و فراوانی محصول باشد دولت که نمیتواند برای همه مردم خانه بسازد کار درست کند پس اینهارا ترساندن، متزلزل کردن، فحش دادن این درست نیست این سیاست غلط است و باید متصدیان امور اشخاصی که این سیاست را تعقیب میکنند باید دست از این کارها بردارند این تظاهر و جلب عوام باید در این مملکت از بیخ برداشته شود چه بنده باشم چه هر کس دیگر با تظاهر و عوام فریبی نمیشود برنامه های اقتصادی مملکت را پیش برود بنده برای ختم کلام بدولت توصیه میکنم که برنامه رژیم لیبرال و اقتصاد لیبرال را در این مملکت تشویق نفرمایند که بجات اقتصاد مملکت در این است و عرض دیگری ندارم.

رئیس - آقای دولت آبادی بفرمائید.
دولت آبادی - چون بیشتر از ده روز به پایان دوره چهارساله نوزدهم مجلس شورای ملی نمائده و این چند روز هم سپری خواهد شد و انشاءالله با انجام انتخابات آینده بزودی مجلس شورای ملی افتتاح خواهد شد بنده اغتمام فرست میکنم که راجع به خود مجلس شورای ملی و بیلان کارهای چهار ساله آن مطالبی گفته باشم برای اینکه در تاریخ مملکت ثبت بشود و آیندگان توجه به خدمات گذشتگان داشته باشند و انشاءالله در راه خدمت به مملکت توفیقات بیشتری نصیبشان بشود اما قبل از اینکه عرایض خودم را کرده باشم بمناسبت بساز گشت موصوب مبارک اعلیحضرت همایونی بایران که هر روز ما و همه شناسد احساسات مردم نسبت به موصوب مبارک و منزه ایشان بودیم

بیش از ۲۵۰۰ سال است در این مملکت رژیم سلطنتی باقی است و سلطنت موجب بقاء و وحدت ما و حافظ استقلال ما بوده است یعنی بجای کلمات متشتت این کتاب شیرازه ای داشته که این شیرازه وجود شاه بوده است و خدمانی که سلاطین این مملکت به این مملکت کرده اند همه با اهمیت و موجب عظمت و بقای ما بوده است نمیخواهم از سوانح زشت گذشته صحبت کنم ولی هر وقت مملکت ایران که بدست سلاطین سست عنصر و بی هنر افتاده است آن روز بوده است که دوره انحطاط و نزلت و سستی رخ نموده است تاریخ برای چیست برای اینست که از حوادث گذشته ملتی موجود و ملتی که صاحبان تاریخ هستند بگریزد از تجارب تلخ گذشته اندرز بگیرند آنچه نیکوست پیروی کنند و آنچه موجب ذلت و ناراحتی شده است با آن مبارزه کنند و نگذارند این جرثومه های ضعف و سستی ریشه بدواند و مالمی در راه رشد مملکت باشند هیچکس منکر نیست و نبوده است و نمی تواند باشد که حکومت ما هر چه هم تابع عدالت و عدل و قانون باشند در شان يك ناروائی هائی نمیتواند نباشد طبعاً هر اجتماعی وقتی جمع شد وقتی گرد هم آمد تضاد منافع و اصطکاک هدفها يك ناراحتی هائی ایجاد میکند مردم عاقل باید سعی بکنند اول خودشان را قانع کنند یعنی به کرد هدف نامشروع نگردند تا بعد از عدم انجامش ناراحت بشوند این یکی و دیگر اینکه پیشوایان آنها در هر لباسی و در هر مقامی که هستند وظیفه خودشان را بخوبی انجام دهند و امروز در حکومت مشروطه سلطنتی ما که مجلس داریم و قوه مقننه یعنی نیروی اراده قانون گذاری ملت در آن متمرکز شده بزرگترین وظیفه را ما بعهده داریم که مردم را راهنمایی کنیم و ترسیم کنیم که بما عیب جوئی و انتقاد کنند عیب جوئی و انتقاد کار ما است ما باید رفع عیب بکنیم جامعه تزویر و ریا پوشیم چنانچه دیگران پوشیدند که مملکت را به پرنگاه بردند این خیانت است ما بایستی به کوشیم این وحدت را حفظ کنیم دیبای امروز که در هر ساعت ما ناظر تشنجات شدیدی در آن هستیم و حکومت ها را می بینیم که بچشم بهم زدنی زیر و رو میشوند اگر ما با ثبات کامل زندگی میکنیم این را بایستی بی علت ندانیم یا از علل و موجبات آن سرسری نگذریم این موجبی دارد و علتی درش است وقتی امر اینقدر طبیعی و بدیهی باشد چرا ما قضاوت نکنیم که سیاست و اوضاع ما، مالی که در يك منطقه متشنج جهان قرار گرفته ایم عللی دارد آن علل را باید مطالعه کنیم و با جانمان حفظ کنیم تا دچار زلزله نشود

این اصل مطلب است آنچه من میگویم که بایستی وحدت ما را حفظ کنیم و با جانمان برای حفظ آن بکوشیم میخواهم در این مطلب خلاصه بکنم که فداکاریها اگر بقبول رنجها و نگرانیها و ناگواریها باشد این اولین قدم مبارزه است نه آنکه نده بین بگذاریم و چیزهای خیلی کوچک را خیلی بزرگ بکنیم و اهداف بزرگمان را فدای اغراض کوچک بکنیم این دور از انصاف است بله اوضاع ما آنطور که می خواهیم و نیات و آرزوهای ماست اما کی باید جبران کند خود ما و لاغیر اینجا اشاره ای فرمودند جناب آقای ارسلان خلعتبری دوست و همکار عزیز و ارجمند ما راجع به قوانین مالیاتی که می آیند و قانون میگذارند بنده میخواهم در این باره صحبت کنم این مطلب صحیحی است ما خودمان در این سنوات اخیر که در مجلس بودیم در کمتر سالی بوده است که قوانین مالیاتی جدید نیارند و این مسائل بلا شك موجب نزلت در امور اقتصادی مملکت میشود اما يك اصل مسلمی در این مملکت هست و آن اینست که هزینه های این مملکت زیاد است یعنی خرج داریم برای انتظاماتمان برای تأمین همان عدالت اجتماعی و نیرو بخشیدن به قوه قضائیه مان خرج داریم این خرج را کی باید بدهد مردم باید بدهند بنابراین مالیات حتماً باید از آن کسی که بیشتر از آب و هوا و زمین و منابع طبیعی متمتع میشود از او باید بیشتر مالیات گرفت (صحیح است) آنچه موجب ناراضی بوده است اینست که عناصر مملکتی بنا نوسل به مقاماتی از نیروهای معجزه از دادن مالیات فرار میکنند و بار فشار مستقیم بدوش آنهاست که ناوانند میافند این وظیفه ماست یعنی ما که نماینده مجلس هستیم یعنی دولتی که منتخب ماست یعنی دولتی که بامر اعلیحضرت همایونی طبق قانون اساسی و بتأیید و پشتیبانی و تصویب ما طبق قانون اساسی می آید باید او را راهنمایی کنیم و اجازه ندهیم راه انحراف بپیمایند تا این مسائل اجرا شود البته الان هم که قانونی در دست رسیدگی است اگر مجلس شورای ملی چشمش را هم بگذارد و توجه به حفظ حقوق مردم ضعیف نکند این قصور در انجام وظیفه کرده است باید قوانین ما طوری باشد که با کمال رشادت با کمال قدرت از آن کسی که مالیات بده واقعی است مالیات گرفته شود و اجازه هم نداد که حتی یکشاهی از کسی مالیات زائد بگیرند مطمئناً این باید در قانون پیش بینی بشود و بدست عناصری سپرده شود که مورد اعتماد جامعه هستند برای این کار آقابانی که در کمیسیون قوانین دارایی کار میکنند توجه

جا دارد که بنده هم بنام يك نماینده مجلس و يك فرد علاقمند به مملکت در این تبریک شرکت جسسه باشم و بمضمون: اما بنعمت ربك فحدثنا مطلباً چنانچه هر ایرانی پاکرو و پاک نظر و ایراندوست و حق پرست منکر آن نیست این مطلب را تذکر بدهم که اعلیحضرت همایونی یعنی شخص محمد رضاشاه پهلوی سمبل حکومت مشروطه سلطنتی ملی ماست (صحیح است) و وجود او با بقای مملکت ما و با حفظ استقلال مملکت ما توأم است (صحیح است) به مناسبات بسیار و خدمانی که شخص ایشان باین مملکت کردند و در این نکته جای تردید نیست (صحیح است) و هیچکس نمیتواند شك داشته باشد که اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی مخلوق به خلیقیات و صفات و ملکات فاضله است که در کمتر کسی امروز جمع میشود (صحیح است) و این مطلبی نیست که من اینجا بگویم خوشبختانه مطلبی است که دنیا بر آن گواهی داده یعنی سلامت فکر، دور اندیشی، آزادگی و خیر خواهی و تبخیر خاصی که در مسائل و مشکلات بین المللی و سیاسی و اطلاعاتی که شخص ایشان در کلیه امور سیاسی دارند نه تنها در داخل مملکت در محافل خارجی هم مایه افتخار و سرفرازی ماست بنده با معدودی کوه نظر و عناصری که در خارج از مرز ما میل ندارند ما سر بلند زندگی کنیم کاری ندارم من از خودمان و از واحد جغرافیائی ایران عزیزمان صحبت میکنم، ما آرزو داریم که میهن ما ایران چنانچه قرن ها با افتخار در مقابل حوادث مهیب و طوفان های شدید زندگی زیسته است و امروز با نهایت سربلندی بنام ایران باقی است و خواهد بود باقی بماند و هر روز راه سعادت بیشتری را بپیماید و افتخارات گذشته را بیشتر کسب کند و این در کور و وحدت ماست (صحیح است) هر کس عامل خارجی برای او حساب کند، مسلم است که از حقیقت منحرف شده و عامل او ما هستیم عوامل او ما هستیم و وحدت ما، وحدت ما چیست؟ ماملتی هستیم دیرپا و کهن سال و مملکت ما مهد مفاخر تاریخی بوده است و بدنیای متمدنی این زمان هنر و دانش و فضل آموخته است و دنیا بر این حقیقت واقف و متوجه است و با همه رشد خودش اعتراف میکند که این مملکت کابون هنر و فکر و اندیشه بزرگ بوده است خوشبختانه بعد از طلوع کوكب اسلام و درخشان شدن خورشید اسلام ملت ایران با گردیده است و هر آنچه داشته است محاسن دیگری را از نظر اعمالیم عالیله قرآن بآن افزوده است و امروز هم درد دنیا باین مسئله که مذهب مقدس اسلام را دارد میاهات میکنند ما ملتی هستیم قانع خدوم خدمتگزار رنجبر و علاقمند به میهن و

دارند که کمیسیون های حل اختلاف باید از افراد مورد اعتماد مردم باشند بنده عرض میکنم دولت به کمی متکی است دولت تکیه گاه اولش شخص اعلیحضرت همایونی است که همه نان با من هم صدا بخیز خواهی او صحبت کردید و در این باره کسی منکر نیست (صحیح است) اگر بایشان عرض کنید که رعایت حفظ حقوق مردم ضعیف در وصول مالیاتها شده است ایشان قطعاً دستور خواهند فرمود که حتماً باید بشود و اقدام خواهد شد مانور میکنیم که اگر این قانون بگذرد چه میشود بدانید بدون تردید شخص اعلیحضرت همایونی حق مطلب را در نظر دارند و انتظار دارند که مجلس شورای ملی یعنی نمایندگان مردم بیایند طبق مصالح مردم و رعایت حق بارعایت اینکه مالیات از مؤدی واقعی وصول شود قانون بگذرانند.

رئیس - آقای دولت آبادی حالا از وقت آقای مشایخی که بجناب عالی دادند استفاده میکنید.

دولت آبادی - خیلی متشکرم. در موضوع اقتصاد اینجا صحبت کردند کار اقتصاد يك مطالب اصولی و اساسی دارد که هر کس میتواند درباره آن قضاوت کند اما از نظر ارتباط دنیا و مسائل پیچیده ای که ما تا بدبختانه عکس العملش را ببینیم بآن توجه نمیکنیم ما احتیاج داریم که مشورت کنیم با اشخاص مطلع ولی در عین حال نبایستی چشم بسته تسلیم شد مملکتی که بخواید در محیط زندگی ذلیا بماند و با آزادی زندگی کند حتماً بایستی سطح تولیدش بالا بیاید راه بالا بردن سطح تولید امنیت اجتماعی و امنیت قضائی است راه دیگری ندارد و آن کسی که میخواهد سرمایه گذاری کند و یا شاید دوستانش را جمع کند و یک شرکتی تشکیل بدهد و فعالیتهای اقتصادی بکند باید متکی باشد به امنیت قضائی و اصلی که حفظ حق او میشود چه در داخل شهر و چه در بیابان آنکسی که میرود در بیابان زراعت میکند باید بداند که تمام نیروی انتظامی این مملکت صرف حفظ حق او میشود نه اینکه خللی در کار او ایجاد شود این عین حقیقت است ما باید با فعالیت تولیدمان را زیاد کنیم دولت تحت ارشاد شخص اعلیحضرت با توجه به این اصل آمد از راه استفاده از مازاد پشتوانه اسکسناص صنایع داخلی را تقویت کرد در این کار اگر معایبی پیدا شده آن معایب را مائیم که باید بگوئیم و بایستیم و بخواهیم که اصلاح شود این حقیقت مطلب است امامتآسفانه باید بگوئیم که وقتی ما راهی پیدا میکنیم چون حس ابتکار آن طور که باید در مردم و جامعه تقویت نمیشود يك راهی که عده ای

رفتند و یکشاهی پیدا کردند تمام دنبال آن میروند و بالاخره در مقابل عکس العمل آن قرار میگیرند مثلاً میبینیم مقدار موجودی نخ مملکت زائد است در صورتیکه بسیاری از ما بحتاج، از خارج وارد میشود، این مائیم که باید انتقاد کنیم، این مائیم که باید بگوئیم، بنده خودم اطلاع دارم همین دولت برای جلوگیری از چنین وضعی از دادن اجازه برای کارخانه پارچه های نخی و ریسمن دیر گاهی است که جلوگیری میکنند برای اینکه حس کرده، آمار دارند احصائیه دارند که این کار زائد است و جلوگیری را گرفته اند. این را برای نمونه خواستم عرض کنم - میخواستم عرض کنم که در این چهار سال مجلس چه کرد؟ عده ای که آمده اند اینجا تمام نمایندگان ملت هستند که به این صندلیها تکیه زده اند تمام بدون استثناء خیرخواه مملکت بوده اند و علاقه به مملکت داشته اند و به شخص اعلیحضرت صمیمانه خدمت کرده اند با اعتقاد و علاقه مندی به مملکت یعنی همین دوستی توأم با خدای پرستی که جزء ذات ماست و ما باور میبایم که ما یکتا پرستیم و این دیر گاهی است یعنی از روزی که ایران بوده است توأم بوده است، ما که آمده ایم اینجا نشسته ایم مصلحت را اینطور تشخیص داده ایم که این امانتی است که بدست ما سپرده شده است و باید در حفظ آن بکوشیم ما در باره آن قصوری نکردیم یعنی آنچه که به نفع مصالح مملکت بوده است قوانین آن را در همین مجلس شورایی و در کمیسیون ها با کمال دقت رسیدگی و تنقیح کرده ایم و در دسترس دولت برای اجرا گذاشته ایم این خدمتی بوده است که ما کرده ایم آنچه از نظر سوانح و حوادث پیش آمده است ما اینها را با دقت نظر و امان واقعی از پشت همین تریبون از هیچگونه تنقیدی فرود گذار نکرده ایم خود بنده که يك فرد نماینده مجلس و موافق این دولت هستم و او هم خدمات بسیاری کرده است خودش هم منکر نیست که هنوز نواقصی در راه خدمتش هست که رفع شده ولی همه افرادی که حق بین و واقع بین و منصف هستند این معنی را اقرار دارند و اعتراف دارند و انکار نمیکنند که در دوران اخیر و در دولت فعلی خدمات با ارزشی هم با ارشاد شخص اعلیحضرت همایونی در مملکت انجام شده است و من نمیخواهم لیست آنرا اینجا بیان کنم (صحیح است) برای رفع نواقص هم او باید بکوشد و هم ما باید دعوا مل فراموش کنیم اما نباید این یکی را فراموش کرده که ما در چند سال اخیر زندگی مان و مملکتمان دچار نشنخ و تشدد و حوادثی بود که بقای ما را تهدید میکرد، آقایان اگر چه تلخ است دیدن این منظره ها ولی بر گردید به

مرداد ۱۳۳۲ و آنرا بخاطر بیاورید که ما در چه وضعی بودیم و توی کوچه ها برای ما چه نقشه هایی کشیده بودند و در دهای خبیث خود برای مردان ما چه طرهائی ریخته بودند نباید این را فراموش کرد، آن جایی که اشاره کردم به استناد از تاریخ قدیم این جا بود ما در حقیقت میتوانیم بگوئیم که از سیال ۳۳ و ۳۴ که سنوات معدودی است ما به بحران اوضاع گذشته و التیام زخم های مملکت و اندوهگینی که داشته ایم پرداخته ایم درست است که يك روز هم برای مملکت يك روز است و بایستد از ادای حق آن روز و آن ساعت و آن دقیقه خودداری کرد ولی در حقیقت بیش از سه شش سال نیست که ما توانسته ایم که با ثبات نسبی در اوایلش و با ثبات واقعی در سه چهار سال اخیر به کارهای مملکت برسیم این از نظر موقعیت به اصلاح اساسی کار مدت زیادی نیست آقایان خسته شده اند سعدی میگوید:

سعدی بروز کاران مهری نشسته بر دل

بیرون نمیرود آن الا بروز کاران

آنچه که بما شده است به سالها باید جبران بشود باید عرض کنم از جنگ بین الملل اول شروع شده، در این جنگ اخیر تکمیل شده، ما هنوز تمامی آن مآثر شومی که در جنگ اول داشتیم در زند کیمان حکومت میکند آن وقت میخواهیم در ظرف چهار سال بتمام معنی آن اشکالات را رفع کنیم، این کار دشواری است باید با صبر و شکیبائی و بردباری بکوشیم ان شاء الله جبران کنیم حوادث ناگواری که در تضییع اموال مملکت پیش آمده است چیزی نیست که هر ایرانی بتواند به آن بدیده اغماض بشکند یعنی هر چه از بیت المال این مملکت يك شاهی بیجا خرج شده باشد تجاوز به حقوق پیرزنها و اطفال دور افتاده و عناصر محروم مملکت شده است که اگر چنانچه بجای خودش خرج شده بود در جای خودش اثر میکرد اما باید متوجه بود که از این تجارب تلخ متصدیان امر پسند بگیرند و دیگر اجازه ندهند که یکشاهی عایدات این مملکت خرج باطل شود این اصل مطلب بود بنده چون نمیخواهم بیش از این وقت آقایان را بگیرم این خاطرات تلخ را نمیخواهم ذکر کنم لواط مفیدی را که این مجلس گذرانده همه آقایان میدانند و بیان آن هم از زبان بنده يك قدری شاید تعبیر به این باشد که مجلس میخواهد خودستائی کرده باشد زیرا مجلس آنچه کرده است ادای وظیفه بوده است آنچه که باید می شده است بایستی کرده باشد و اگر هم نشده است آرزوی انجام آن هیچگاه از دل ما بیرون نرفته است ما آرزو مندیم خداوند

برای بقای مملکت ما را باری کند و بتوانیم با همت و نیروی فرزندان این مملکت که خونشان در راه استقلال این مملکت ریخته شده و سعادت مند آن خونی که از فرزندان فعلی برای سعادت مملکت ریخته شود جان ما تنها يك جا خوار است آن جایی که در راه مملکت خرج شود این حقیقت قضیه است ما امیدواریم وحدت جغرافیائی ما یعنی ایران محدود بحدودی که میهن عزیز است و با منس با جان ما و در خون ما و با تن ما سرشته شده است همیشه پایدار باشد (انشاء الله) و مخصوصاً شخص اعلیحضرت همایونی با این روح آزادگی و علاقه مندی با اصلاحات مملکت ما را راهنمایی کنند و همچنین قوه مقننه بزودی با صورت کاملتری که قابل تأخیر نیست باز گردد و بتواند در این راه قدم های مؤثری بردارد خداوند ما توفیق بدهد (ان شاء الله) مملکت ایران همیشه پاینده باشد و فرزندانش همیشه مباحثات کنند که در راه بهبود زندگی او فداکاری کرده اند (احسنت - احسنت).

۳ - شور دوم گزارش کمیسیون امور اجتماعی و کار دائر بتبدیل نام وزارت کار بوزارت

کار و امور اجتماعی

رئیس - وارد دستور میشود يك لایحه مختصری است که شور دوم آن است راجع بتبدیل نام وزارت کار بوزارت کار و امور اجتماعی که قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

گزارش از کمیسیون امور اجتماعی و کار ب مجلس شورای ملی کمیسیون امور اجتماعی و کار با حضور آقای وزیر کار لایحه دولت راجع به تبدیل نام وزارت کار بوزارت کار و امور اجتماعی را برای شور دوم مورد رسیدگی قرار داده با توجه به پیشنهاد واصله خبر شوز اول را با اصلاحاتی تصویب نمود اینک گزارش آنرا ب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون نام وزارت کار به وزارت کار و امور اجتماعی تبدیل میگردد و دولت مکلف است بتدریج و حداکثر در مدت دو سال نسبت بتعمیر کار امور اجتماعی در این وزارتخانه اقدام نماید.

مخبر کمیسیون امور اجتماعی و کار - مهندس سعید هدایت رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی گرفته میشود به ماده واحده مبنی بر تغییر نام وزارت کار بوزارت کار و امور اجتماعی آقایانی که موافقت قیام کنند (اکثر بر خاستند) تصویب شد. کلیات آخر مطرح است (مخالفی نیست) رأی نهائی گرفته میشود آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

۴ - طرح و تصویب گزارش کمیسیون بودجه راجع به عضویت دولت ایران در مؤسسه بین‌المللی توسعه و ارسال به مجلس سنا

رئیس - لایحه‌ای است راجع به عضویت دولت در مؤسسه بین‌المللی توسعه که قبلاً يك فوریت آن تصویب شده و حالا به عنوان شور دوم مطرح میشود . (بشرح زیر قرائت شد :)

گزارش از کمیسیون بودجه بمجلس شورای ملی
کمیسیون بودجه در جلسه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ لایحه اجازه عضویت دولت شاهنشاهی ایران در مؤسسه بین‌المللی توسعه را با حضور آقای وزیر مشاور و قائم مقام نخست‌وزیر در سازمان برنامه مورد شور و رسیدگی قرارداداده ماده واحده پیشنهادی دولت را عیناً تصویب نمود اینک گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد :

ماده واحده - الف - دولت مجاز است سندی را که حاکی از پذیرفتن اساسنامه مؤسسه بین‌المللی توسعه و قبول عضویت دولت شاهنشاهی در مؤسسه مزبور باشد امضا نموده و بانك بین‌المللی تر میم و توسعه که تشکیل دهنده مؤسسه نامبرده میباشد تسلیم نماید .

ب - رابط بین دولت شاهنشاهی و مؤسسه فوق‌الذکر بانك ملی ایران خواهد بود .

ج - سهمیه کشور شاهنشاهی در سرمایه مؤسسه بر طبق صورت ضمیمه آخر اساسنامه مؤسسه چهارمیلیون و پانصدو چهل هزار دلار است . قسمت نشر اسکناس بانك ملی ایران (هیئت نظارت اندوخته اسکناس) مجاز است بر طبق مقررات ماده دوم اساسنامه مؤسسه ده درصد از کل سهمیه مزبور را که باید بطلا و یا ارز قابل تبدیل بطلا پرداخت شود از محل طلا و یا ارز پشتوانه پرداخت نموده و سندی یارسیدی را که از طرف مؤسسه دریافت میکند جزو پشتوانه محسوب دارد . همچنین قسمت نشر اسکناس بانك ملی ایران (هیئت نظارت اندوخته اسکناس) مجاز است نود در صد باقیمانده سرمایه را بریال در اختیار مؤسسه قرارداده و سفته‌های دولت را که از این بابت دریافت میدارد جزو پشتوانه اسکناس محسوب دارد . مادام که مؤسسه احتیاج بدریافت ریال نقد نداشته باشد دولت میتواند از این بابت سفته عندالمطالبه بمؤسسه تسلیم کند .

چنانچه در آینده طلا و ارز و یا ریالهای پرداخته شده مسترد گردد عیناً بقسمت نشر اسکناس بانك ملی ایران تحویل خواهد گردید . مخبر کمیسیون بودجه - مشایخی گزارش از کمیسیون بازرگانی بمجلس شورای ملی
کمیسیون بازرگانی لایحه دولت راجع با اجازه عضویت

دولت شاهنشاهی ایران در مؤسسه بین‌المللی توسعه را با حضور آقای وزیر مشاور و قائم مقام نخست‌وزیر در سازمان برنامه مورد شور و رسیدگی قرار داده و پس از مذاکرات لازم مخبر کمیسیون بودجه را تأیید و تصویب نمود اینک گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

مخبر کمیسیون بازرگانی - مشایخی
گزارش از کمیسیون امور خارجه بمجلس شورای ملی
کمیسیون امور خارجه در جلسه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ لایحه اجازه عضویت دولت شاهنشاهی ایران در مؤسسه بین‌المللی توسعه را با حضور آقای وزیر مشاور مطرح و در نتیجه با مخبر کمیسیون بودجه موافقت نمود اینک گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

مخبر کمیسیون امور خارجه - دکتر سعید حکمت
رئیس - کلیات لایحه مطرح است کسی اجازه صحبت نخواست . نام نویسی هم نکرده اند رأی میگیریم به ورود در شور ماده واحده آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد .

ماده واحده مطرح است کسی اجازه نخواست و پیشنهادی نرسیده ، رأی گرفته میشود به ماده واحده آقایانی که موافقت قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد کلیات آخر مطرح است (گفته شد - مخالفی نیست) رأی نهائی به لایحه گرفته میشود آقایانی که موافقت قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد به مجلس سنا فرستاده میشود .

۵ - شور دوم و تصویب گزارش کمیسیون دادگستری راجع به تعقیب مأمورین دولت و صلاحیت دیوان کیفر

رئیس - لایحه مربوط به طرز تعقیب مأمورین دولت در محل خدمت و حذف محاکم اختصاصی قرائت میشود . (بشرح زیر قرائت شد :)

گزارش از کمیسیون دادگستری بمجلس شورای ملی
کمیسیون دادگستری با حضور آقای معاون وزارت دادگستری لایحه ارسالی از مجلس سنا راجع به طرز تعقیب مأمورین دولتی در محل خدمت و حذف محاکم اختصاصی را برای شور دوم مورد رسیدگی قرار داده مواد مصوبه شور اول را تأیید و تصویب نمود اینک گزارش آنرا به مجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

ماده اول - دیوان کیفر کارکنان دولت تشکیل میشود و کلیه قوانین و مقرراتی که قبل از انجمن آن وجود داشته معتبر است .
ماده دوم - رسیدگی به کلیه جرائم استانداران و سفراء کبار و وزراء مختار و معاونین وزارتخانه‌ها و رؤسای ادارات کل و ادارات تابعه آنها در مرکز و مدیران کل و رؤسای

دارد و دادگاههای مذکور در کلیه موارد نامبرده در جلسه اداری و خارج از اوبت رسیدگی مینمایند و رأی آنها در این مورد قطعی است .

۲ - مقررات ماده ۱۶۹ اصلاحی آئین دادرسی کیفری در دیوان کیفر ایزرعایت خواهد شد اعم از اینکه در خواست کننده دادستان باشد یا متهم .

۳ - توقیف مقرر در ماده ۱۱ قانون مصوب پنجم آذر ماه ۱۳۰۸ مربوط بمقررات دیوان کیفر الزامی نیست .

تبصره - کلیه قرارهای منع تعقیب صادر از طرف بازرس و همچنین نظر دادیاران دادسرای دیوان کیفر در عدم تعقیب باید پس از موافقت دادستان ابلاغ شود و ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ از طرف مدعی خصوصی در دیوان کیفر قابل شکایت خواهد بود .

ماده پنجم - پرونده‌هاییکه مشمول مقررات این قانون بوده و تا تاریخ تشکیل دیوان کیفر بصدر حکم منتهی نشده باشد در دیوان مزبور رسیدگی خواهد شد .

ماده ششم - کلیه مقررات مغایر بامواد فوق ملغی است .
ماده هفتم - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون میباشد .

مخبر کمیسیون دادگستری - عمیدی نوری
رئیس - حالا ماده اول مطرح است . قرائت میشود . (بشرح زیر خوانده شد)

ماده اول - دیوان کیفر کارکنان دولت تشکیل میشود و کلیه قوانین و مقرراتی که قبل از انحلال آن وجود داشته معتبر است .

رئیس - مخالفی نیست ؟ رأی گرفته میشود به ماده اول آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد . ماده دوم مطرح است .

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده دوم - رسیدگی به کلیه جرائم استانداران و سفراء کبار و وزراء مختار و معاونین وزارتخانه‌ها و رؤسای ادارات کل و ادارات تابعه آنها در مرکز و مدیران کل و رؤسای ادارات

ادارات مرکزی وزارتخانه‌ها و فرمانداران و رؤسای ادارات استانها و شهرستانها و کلیه کارمندان قضائی که بسبب شغل دولتی مرتکب میشوند در دیوان کیفر بعمل میآید و نیز رسیدگی بجرائم اختلاس و هر نوع تصرف غیر قانونی و جرائم مذکور در مواد ۱۵۳ و ۱۵۷ قانون کیفر عمومی و جرائمی که قانوناً در حکم اختلاس شناخته شده و همچنین

ج - مرجع حل اختلاف نسبت ببازداشت متهم همان دادگاه است که صلاحیت رسیدگی بشکایت از قرار بازداشت

ادارات مرکزی وزارتخانه‌ها و فرمانداران و رؤسای ادارات استانها و شهرستانها و کلیه کارمندان قضائی که بسبب شغل دولتی مرتکب میشوند در دیوان کیفر بعمل میآید و نیز رسیدگی بجرائم اختلاس و هر نوع تصرف غیر قانونی و جرائم مذکور در مواد ۱۵۳ و ۱۵۷ قانون کیفر عمومی و همچنین جرائمی که قانوناً در حکم اختلاس شناخته شده و همچنین جرائم ارتشاء و سرقت و کلاهبرداری بسبب شغل دولتی سایر مستخدمین و مأمورین در قوانین دیوان کیفر پیش‌بینی شده در صورتیکه مبلغ رشوه دفعه واحده یا مجموعاً از پنجاه هزار ریال و مبلغ سوء استفاده در سایر موارد دفعه واحده یا مجموعاً از سی هزار ریال بیشتر باشد در صلاحیت دیوان کیفر است و نیز رسیدگی بجرائم مأمورین خدمات عمومی مذکور در قانون ۱۶ اردیبهشت ۱۳۱۵ در حدود اصابت فوق و همچنین رسیدگی بجرائم مذکور در مبحث اول و دوم (فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی راجع به تجاوز مأمورین دولتی و تعدیبات آنها نسبت بافراد بااستثناء جرائمی که مجازات آن اعدام است) در صلاحیت دیوان مزبور میباشد .
ماده شوم - در صورتیکه هر يك از مستخدمین و مأمورین مذکور در ماده قبل متهم با ارتکاب يك یا چند بزه دیگر هم باشند رسیدگی بسایر اتهامات آنها نیز در دیوان کیفر بعمل خواهد آمد جز در موارد و اتهاماتی که طبق قانون مجازات آنها اعدام است .

تبصره - در کلیه مواردیکه بموجب این قانون رسیدگی با اتهام در صلاحیت دیوان کیفر شناخته شده مستخدمین و مأمورین مذکور در ماده ۲ در دیوان کیفر تعقیب میشوند ولو اینکه عنوان اتهام معاونت یا شرکت در ارتکاب جرم باشد و در اینصورت رسیدگی با اتهامات سایر متهمین نیز در صلاحیت دیوان مزبور خواهد بود اعم از اینکه سایر متهمین مستخدم دولت باشند یا نباشند .

ماده چهارم - الف - قرار توقیف یا هر نوع تأمین دیگری از طرف بازرس دیوان کیفر یا بازرس و یا سایر قضائی که از طرف بازرس دیوان کیفر نمایندگی دارند صادر میشود .

ب - کلیه مقررات ماده ۳۸ آئین دادرسی کیفری در این مورد رعایت میگردد و در هر حال قرار توقیف قابل شکایت است و مرجع رسیدگی باین شکایت در مرکز دیوان کیفر و در مراکز استانها دادگاههای استان و در شهرستانها دادگاه شهرستان میباشد .

ج - مرجع حل اختلاف نسبت ببازداشت متهم همان دادگاه است که صلاحیت رسیدگی بشکایت از قرار بازداشت

جرایم ارتشاء و سرقت و کلاهبرداری بسبب شغل دولتی سایر مستخدمین و مأمورین در قوانین دیوان کیفر پیش بینی شده در صورتیکه مبلغ رشوه دفعه واحده یا مجموعاً از پنج هزار ریال و مبلغ سوء استفاده در سایر مواد دفعه واحده یا مجموعاً از سی هزار ریال بیشتر باشد در صلاحیت دیوان کیفر است و نیز رسیدگی بجرائم مأمورین خدمات عمومی مذکور در قانون ۱۶ اردیبهشت ۱۳۱۵ در حدود نصاب فوق و همچنین رسیدگی بجرائم مذکور در مبحث اول و دوم (فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی راجع به تجاوز مأمورین دولتی و تعديت آنها نسبت با افراد باستثناء جرائمی که مجازات آن اعدام است) در صلاحیت دیوان مزبور میباشد.

رئیس - مخالفی نیست؟ رأی به ماده دوم گرفته میشود موافقین قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده سوم مطرح است.

ماده سوم - در صورتیکه هر يك از مستخدمین و مأمورین مذکور در ماده قبل متهم بارتكاب يك یا چند بزه دیگر هم باشند رسیدگی بسایر اتهامات آنها نیز در دیوان کیفر بعمل خواهد آمد جز در موارد و اتهاماتی که طبق قانون مجازات آنها اعدام است.

تبصره - در کلیه مواردیکه بموجب این قانون رسیدگی با اتهام در صلاحیت دیوان کیفر شناخته شده مستخدمین و مأمورین مذکور در ماده ۲ در دیوان کیفر تعقیب میشوند ولو اینکه عنوان اتهام معاونت یا شرکت در ارتكاب جرم باشد و در اینصورت رسیدگی با اتهامات سایر متهمین نیز در صلاحیت دیوان مزبور خواهد بود اعم از اینکه سایر متهمین مستخدم دولت باشند یا نباشند.

رئیس - با ماده سوم مخالفی نیست؟ رأی بماده سوم گرفته میشود آقایان موافقین قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده چهارم مطرح است.

ماده چهارم - الف - قرار توقیف یا هر نوع تأمین دیگری از طرف بازپرس دیوان کیفر یا بازپرس و یا سایر قضاتی که از طرف بازپرس دیوان کیفر نمایندگی دارند صادر میشود.

ب - کلیه مقررات ماده ۳۸ آئین دادرسی کیفری در این مورد رعایت میگردد و در هر حال قرار توقیف قابل شکایت است و مرجع رسیدگی باین شکایت در مرکز دیوان کیفر و در مراکز استانها دادگاههای استان و در شهرستانها دادگاه شهرستان میباشد.

ج - مرجع حل اختلاف نسبت ببازداشت متهم همان دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی بشکایت از قرار بازداشت دارد و دادگاههای مذکور در کلیه موارد نامبرده در جلسه اداری و خارج از نوبت رسیدگی مینمایند و رأی آنها در این مورد قطعی است.

د - مقررات ماده ۱۶۹ اصلاحی آئین دادرسی کیفری در دیوان کیفر نیز رعایت خواهد شد اعم از اینکه درخواست کننده دادستان باشد یا متهم.

ه - توقیف مقرر در ماده ۱۱ قانون مصوب پنجم آذرماه ۱۳۰۸ مربوط بمقررات دیوان کیفر الزامی نیست.

تبصره - کلیه قرارهای منع تعقیب صادر از طرف بازپرس و همچنین نظر دادیاران دادرسی دیوان کیفر در عدم تعقیب باید پس از موافقت دادستان ابلاغ شود و ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ از طرف مدعی خصوصی در دیوان کیفر قابل شکایت خواهد بود.

رئیس - کسی اجازه نخواسته، بماده چهارم رأی گرفته میشود آقایان موافقین قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۵ مطرح است.

ماده پنجم - پروندههاییکه مشمول مقررات این قانون بوده و تا تاریخ تشکیل دیوان کیفر بصورت حکم منتهی نشده باشد در دیوان مزبور رسیدگی خواهد شد.

رئیس - رأی بماده ۵ گرفته میشود آقایان موافقین قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۶ قرائت میشود.

ماده ششم - کلیه مقررات مغایر با مواد فوق ملغی است. رئیس - رأی بماده ۶ گرفته میشود آقایان موافقین قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۷ مطرح است.

ماده هفتم - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون میباشد. رئیس - آقایان موافقین با ماده ۷ قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. کلیات آخر مطرح است مخالفی نیست؟ (انتهای شد) رأی بتمام ماده گرفته میشود آقایانی که موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد به مجلس سنا فرستاده میشود.

۶ - تقاضای آقای مهندس خسرو هدایت وزیر مشاور دائر باصلاح اشتباه چاپی در قانون ۴۲ میلیون دلار وام برای ساختمان سددر و تأیید آن

رئیس - آقای وزیر مشاور وزیر مشاور (مهندس خسرو هدایت) - بنده از توجهی

که آقایان نسبت به تصویب لایحه دولت راجع به الحاق به مؤسسه بین المللی توسعه فرمودند کمال امتنان را دارم، در ضمن خواستم عرض کنم که در قانون اخذ ۴۲ میلیون وام برای ساختمان سددر اشاره به قانونی شده بود که سهمیه سازمان برنامه را از درآمد نفت تغییر میداد آن قانون در هشتم اسفندماه ۳۴ به تصویب رسید در حالیکه اشتباهاً نوشته شده است هجده اسفند ۱۳۳۵ خواستم عرض کنم که این تاریخ اصلاح شود.

رئیس - البته این يك اشتباه چاپی بوده و به مجلس سنا رفته يك تذکری هم به مجلس سنا در این قسمت داده خواهد شد.

۷ - طرح و تصویب يك فوریت و مذاکره در گزارش کمیسیون فرهنگ راجع به ساختمان دبستان در تمام کشور

رئیس - گزارش کمیسیون فرهنگ راجع بساختن دبستان در تمام کشور مطرح است.

گزارش کمیسیون قرائت میشود. (بشرح زیر خوانده شد)

گزارش از کمیسیون فرهنگ به مجلس شورای ملی کمیسیون فرهنگ با حضور آقای وزیر فرهنگ لایحه ساختمان دبستانهای کشور را مورد شور و رسیدگی قرارداده لایحه پیشنهادی دولت را با اصلاحاتی تصویب نمود و اینک گزارش آنرا بشرح زیر به مجلس شورای ملی تقدیم میدارد:

ماده ۱ - تهیه زمین و آب متعارف و ساختمان دبستان و محل سکونت آموزگار و زمین ورزش در هر يك از دهات مهده مالک یا مالکین آن میباشد که طبق طبقه بندی کلی که وزارت فرهنگ با توجه به جمعیت محل بعمل خواهد آورد از طرف وزارت فرهنگ با تعیین مقدار زمین و قیمت آن و مخارج ساختمان بمالک یا مالکین اطلاع داده خواهد شد. و هر يك از مالکین مکلفند مخارج ساختمان و قیمت زمین را دفعتاً یا با قسط سالیانه مساوی در مدت حد اکثر شش سال بحساب مخصوصی که وزارت فرهنگ در مرکز بخش یا شهرستان قبلاً افتتاح نموده پرداخت نمایند.

تبصره ۱ - در دهاتی که مالکین متعدد دارد سهمیه هر يك از مالکین متناسب با سهم مالکانه آنها خواهد بود.

تبصره ۲ - هر گاه مالکی دبستان و خانه معلم را ساخته و تحویل نماید از پرداخت اقساط سالیانه و سهمیه مربوط معاف خواهد بود.

تبصره ۳ - دهاتی که در مجاور یکدیگر قرار دارند و بمناسبت قلت جمعیت در هر يك از آنها ایجاد يك دبستان ضرورت ندارد در یکی از دهات که به تشخیص وزارت فرهنگ مرکزیت دارد دبستان بنا خواهد شد در اینصورت مالکین دهات مجاور موظفند سهمیه متناسبی برای خرید زمین و بنای دبستان و خانه معلم پرداخت نمایند.

ماده ۲ - هر يك از مالکین باید سهمیه سالیانه خود را که بر طبق ماده فوق تعیین میشود تا پایان مهر ماه هر سال بحساب مربوط بپردازند و در صورتیکه مالکی در پرداخت سهمیه خود کوتاهی نماید اداره فرهنگ محل موظف است طبق آئین نامه مربوط با صدور اجرائیه سهمیه مذکور را از محصول متعلق بمالک یا سایر اموال او وصول و بحساب مخصوص تحویل نماید.

ماده ۳ - در نقاطیکه مالک یا مالکین شخصاً اقدام به ساختمان نمایند نمایندگان دبستان زیر نظر شورای ده با مشارکت نماینده مالک یا مالکین و کدخدایان انجام خواهد شد نقشه بنا باید بطرز ساده و متناسب با آب و هوای هر محل تهیه شود.

تبصره - وزارت فرهنگ مکلف است نقشه ساختمان دبستانها و محل سکونت آموزگار را طبق طبقه بندی کلی با رعایت موقعیت و احتیاجات هر محل تهیه و در اختیار مالکین و ادارات و نمایندگیهای فرهنگ قرار دهد.

ماده ۴ - برای ساختن دبستانهای تهران و سایر شهرهای کشور و همچنین مخارج نگهداری آنها انجمن شهر محل مکلف است علاوه بر سهمیه ای که طبق قانون شهرداری از درآمد سالانه خود بفرهنگ باید اختصاص دهد عوارض مخصوص بنام عوارض فرهنگی وضع نماید بنحویکه از تاریخ اجرای اینقانون در مدت حد اکثر شش سال دبستانهای مورد احتیاج آن شهر ساخته شود. عواید حاصله از عوارض فرهنگی مانند سهمیه از درآمد شهرداری ها همه ساله بحساب مخصوصی که برای این منظور تعیین می شود پرداخت میگردد و بهمان نحو که در قانون نظارت مصرف سهمیه فرهنگ از درآمد شهرداریها مقرر گردیده بمصرف ساختمان دبستان و همچنین تهیه اثاثیه و لوازم آن میرسد.

ماده ۵ - در صورتیکه در شهری انجمن وجود نداشته باشد و یا انجمن شهری در وضع عوارض فرهنگی کوتاهی نماید وزارت کشور مکلف است با موافقت وزارت فرهنگ به قائم مقامی انجمن آن شهر عوارض منظور را وضع و بعد از

تصویب هیئت وزیران ترتیب وصول آن را برای ساختمان دبستانهای شهر طبق ماده فوق بدهد.

ماده ۶ - هر يك از شهر داریها مكلفند اراضی متعلق به شهر را که برای دبستان مورد حاجت است جهت این منظور اختصاص داده و بلافاصله با اختیار فرهنگ محل بگذارند تشخیص اراضی مورد احتیاج بعهده هیئتی مرکب از فرماندار یا بخشدار و رئیس یا نماینده فرهنگ محل و رئیس انجمن شهر یا شهردار خواهد بود.

ماده ۷ - اراضی متعلق بدولت در شهر و حومه آنها در صورتیکه برای مدارس یا زمین های ورزشی آن شهر و یا حومه آن مورد احتیاج باشد باید طبق تقاضای فرهنگ مجازاً با اختیار وزارت فرهنگ گذاشته شود.

تبصره - در انتخاب زمین حتی الامکان رعایت احتیاجات و روش دبستان نیز باید بشود.

ماده ۸ - مالکین کارخانه ها اعم از دولتی و ملی که بیش از یکصد و پنجاه کارگر و کارمند داشته باشند مکلفند دبستان یا دبستانهایی با زمین ورزش متناسب که گنجایش عده اطفال لازم التعلیم کارگران و کارمندان را داشته باشد طبق نقشه وزارت فرهنگ در محوطه کارخانه یا در کوی کارگران یا محل متناسب دیگری بنا کنند و یا مخارج ساختمان را طبق برآورد وزارت فرهنگ بکجا یا با قسط شش ساله مساوی بحساب مخصوصی پرداخت نمایند در صورت اخیر وزارت فرهنگ با نظارت نماینده کارخانه نسبت بساختن های مربوطه اقدام خواهد نمود.

تبصره - آن قسمت از درآمد کارخانجات و یا املاک که بموجب این قانون بمصرف ساختمان دبستان میرسد از لحاظ محاسبه مالیاتی جزو مخارج قابل قبول محسوب میشود.

ماده ۹ - مالکینی که اراضی خود را برای ایجاد خانه های مسکونی تقسیم مینمایند مکلفند متناسب بمقدار زمین تقسیم شده به تشخیص وزارت فرهنگ قطعاتی را برای دبستان اختصاص بدهند و ادارات ثبت اسناد نمی توانند تفکیک اسناد رسمی این قبیل زمین ها را بدون موافقت وزارت فرهنگ صادر نمایند.

ماده ۱۰ - کسانی که کوی مسکونی ایجاد می نمایند مکلفند در مقابل هر صد خانوار یک دبستان در کوی مزبور طبق نقشه وزارت فرهنگ بنا نموده و به وزارت فرهنگ تحویل نمایند و دفاتر اسناد رسمی حق ندارند قبل از انجام اینکار نسبت بساختن های فوق هیچگونه سندی تنظیم نمایند.

ماده ۱۱ - درآمد فرهنگی هر محل بمصرف ساختمان مدارس همان محل خواهد رسید و در صورتیکه درآمد محلی در سالهای اول برای اتمام ساختمان دبستان کافی نباشد وزارت فرهنگ می تواند باعتبار مجموع وجوهی که در حساب های مربوط بهر استان دارد از بانک ملی مساعده دریافت نموده و آن را به مصرف اجرای برنامه ساختمانها در همان استان که لااقل يك نك اعتبار ساختمانی آن پرداخت گردیده برساند.

ماده ۱۲ - وزارت فرهنگ مکلف است همساله اعتبار تأسیس دبستانهایی را که بموجب این قانون ساخته میشود در بودجه خود منظور نماید و آموزگاران مورد احتیاج را تربیت کند بنحویکه پس از آماده شدن ساختمان در هر محل نسبت بتأسیس دبستان اقدام شود.

تبصره - هر موقع که دبستانهای شهری ساخته شد و دیگر احتیاج بساختن جدید در آن شهر نبود وجوهی که بابت عوارض آن شهر جمع آوری میشود بمصرف نگاهداری و توسعه و تکمیل بناها و تأمین هزینه های دبستانی آن شهر خواهد رسید.

ماده ۱۳ - برای ساختمان مدارس ایرانیان در خارجه و همچنین خانه های فرهنگی و کوی دانشجویان و تأمین هزینه های مربوط با آنها دولت مکلف است از هر گذرنامه که برای اتباع ایرانی برای مسافرت بخارجه صادر میشود مبلغ پانصد ریال و از هر پروانه زائرین مبلغ دوست ریال اخذ نماید و وجوه مزبور برای تهیه ساختمان و وسائل مورد احتیاج آنها در حساب مخصوصی در وزارت دارائی نگهداری و در اختیار وزارت فرهنگ قرار داده میشود.

ماده ۱۴ - وزارت فرهنگ مکلف است برنامه های تحصیلی دبستانها را طوری تدوین و اجرا کند که مخصوصاً در دو سال آخر دانش آموزان با اصول تعلیمات حرفه ای یا کشاورزی آشنا شوند.

ماده ۱۵ - دولت مأمور اجرای این قانون میباشد. آیین نامه اجرایی این قانون بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

مخبر کمیسیون فرهنگ - صدرزاده گزارش از کمیسیون دارائی به مجلس شورای ملی کمیسیون دارائی با حضور آقای وزیر فرهنگ لایحه دولت راجع بساختن دبستانهای کشور را مورد رسیدگی قرار داده و پس از مذاکرات لازم خبر کمیسیون فرهنگ را تأیید و تصویب نمود اینک گزارش آنرا به مجلس شورای ملی

تقدیم میدارد. مخبر کمیسیون دارائی - مشایخی گزارش از کمیسیون کشور به مجلس شورای ملی کمیسیون کشور لایحه دولت راجع بساختن دبستانهای کشور را با حضور آقای وزیر فرهنگ مطرح و پس از مذاکرات لازم خبر کمیسیون فرهنگ را تأیید و تصویب نمود. اینک گزارش آنرا به مجلس شورای ملی تقدیم میدارد. مخبر کمیسیون کشور - مهدی ارباب

رئیس - کلیات مطرح است. آقای عمیدی نوری - عرض کنم این لایحه یکی از لوايح خوب اجتماعی است که فکر شده است برای ساختمان دبستان در سراسر کشور اعم از دهات و شهرها و از این نظر کاملاً قابل توجه است برای اینکه هم باندازه کافی محل برای دبستانها نداریم چه در شهرها و چه در دهات و همه مملکت احتیاج دارد به توسعه و تعمیم فرهنگ باینکه ما اصل اجباری بودن تعلیمات اجباری را بیش از ده سال است قائل شده ایم هنوز موفقیت کاملی پیدا نکرده ایم در دفعه اول اجرای این امر ملازمه دارد با تأمین محل یعنی ساختمان و آمادگی محل تا بشود این کار را انجام بدهند بنا بر این این لایحه از اینجهت به نظر بنده مفید است برای اینکه يك تکلیفی بوجود می آورد که این گونه ساختمانها بوجود بیاید ولی بحث بنده از این نظر است که در عین حال که این تکلیف را بوجود میآورد برای مردم و حتی تکلیف جنبه شدیدی هم دارد که دارائی شخص مالک هم در معرض وصول برای ساختمان مدرسه است در حالی که تنها تماس این مالکی که فرض بفرمائید در يك دهی يك سهم از ده سهم یا ده شعی از سی شعی را مالک است ارتباطش فقط تا این حد است که مالک آنجاست اینجا در ماده ۲ حتی باین شدت قائل شده ایم که این باید سهمیه ساختمان مدرسه را بدهد اگر داد هیچ و اگر نداد اجرائیه صادر میشود محل وصول آن اجرائیه هم تنها از محصول آن ملک نیست از سایر اموالش هم وصول میشود که من نمیدانم تا این درجه شدید آیا اقتضا دارد برای ساختمان يك دبستانی در دهی عمل شود؟ که اگر کسی سهم مالکانه ای بین میزانی آنجا داشت اثابیه خانه شهرش هم در معرض تأمین وصول این خرج باشد و آیا نقشه هائی که برای این دبستانها است چون این جاهم ساختمان دبستان است که هم خانه معلم است و زمین ورزش است و تشکیل آنش باید خوب باشد وقتی وزارت فرهنگ جایی در دهی بخواند ممکن است خانه های متعددی

برای معلم بخواند برای ناظم مدرسه بخواند برای زمین ورزش بخواند چه بخواند چه بخواند چه بخواند که شاید قسمتی از آن مزرعه و ده اختصاص پیدا کند به این تأسیسات فرهنگی و این در اختیار شورای ده هم نیست و مالکین ده اختیار اظهار نظر ندارند ساکنین هم حق اظهار نظر ندارند نقشه این تأسیسات فرهنگی يك طرفی است و از طرف وزارت فرهنگ است آنچه که او تشخیص داد و تقویم کرد اعلام میکند و میگوید از ما لك گرفته شود و از این نظر هم خواستم نظر مجلس شورای ملی را متوجه کنم که هم در میزان حسابی که این دستگاه فرهنگی ما برای توسعه امور فرهنگی در دهات میخواهد انجام دهد غیر محدود و منحصر بلك طرفی و به نظر خود وزارت فرهنگ است مالک و شورای ده و مردم حق اظهار نظر ندارند با مجموع این جهات که از جنبه الزامی به مردم برای تأمین و پرداخت مخارج این گونه دبستانها از آن سمتش وزارت فرهنگ تعهد الزام آوری ندارد که اگر این کارها هم شد او حتماً آن مدرسه را دائر کند در حالیکه میدانیم هر قدر قانون جنبه تساری و تعمیمش بیشتر باشد و معلوم باشد همان تکلیف شدیدی که برای مردم پیش بینی میشود برای دولت هم همان اندازه است آن قوانین هر قدر شدیدتر باشد قابل هضم است ولی وقتی این جنبه درش کمتر ملاحظه شد تا بیرونی آن قانون خوب نیست در حال حاضر شاید خیلی از آقایان نمایندگان محترم در حوزه انتخابیه خود برخورد کرده اند به يك دهاتی که مردم و بعضی از مالکین به طیب خاطر خودشان ایجاد دبستان کرده اند خودشان اثابیه های تهیه کرده اند و مراجعه میکنند به اداره فرهنگ مربوطه معلم میخواهند آموزگار میخواهند ولی وزارت فرهنگ هنوز نمیتواند آموزگار بهشان بدهد قطعاً آقایان این سابقه را دارید بنده خودم در حوزه انتخابیه خود کرا را برخوردم به این حسن بیت مردم دهات و خرده مالکین دهات که اینگونه دبستانها را بوجود آورده اند ولی وزارت فرهنگ نتوانسته حتی احتیاجات موجود فعلی اینها را برطرف کند (دکتر افشار - خود بنده) خیلی داریم حالا به این کیفیت که اجباری نیست این کار یعنی خود مردم آنچه را میسازند و وسیله اش را فراهم میکنند وزارت فرهنگ قادر نیست که این کار را انجام بدهد حالا بیائیم این قانون را اجباری کنیم امر ساختمان دبستانها و خانه معلم و آموزگار و زمین ورزش و تأسیسات فرهنگی دولت و تا آنجا که شدید کردیم که هر مالکی باید سهمش را تا مهر ماه هر سال بدهد

اگر نداد اجرائیه صادر میشود و اگر از عواید ملکی وصول نشد از سایر دارائیهای او تأمین بکنیم من بیشتر این ماده را از استنباط يك امر ساختمانی در سراسر دهات تلقی میکنم نه آن امر کامل فرهنگی که این کار به این منظور بشود درست است که این لایحه در یکی از موادش (که بنده این مطلب را در کمیسیون فرهنگ هم رویش ایستادم و گفتم که باید این کار بشود) اشاره‌ای شده است که وزارت فرهنگ این کار را میکند اما بنده از آقایان میپرسم در مقابل مواد شدیدی که در این لایحه است از نظر مالکیت و محدودیت مالکیت او به این کیفیت برای وصول مخارج این ساختمانها آیا با این عباراتی که در این گزارش هست که وزارت فرهنگ هم اسبست به جاهائی که ساخته شده اقدامی خواهد کرد این دو تا میخواند با هم؟ در این دو تا يك جنبه مساواتی وجود دارد؟ و من عقیده‌ام این است که قوانین هر قدر جنبه عملی و عادی بودش بیشتر ملاحظه شود هم بیشتر به نتیجه میرسیم و هم بیشتر قابل هضم است ولی هر قدر شدید و کلی و يك طرفی بشود تأثیرش خوب نیست و این لایحه در عین حال که بسیار خوب است از نظر اینکه ما میتوانیم فرهنگ را در سراسر کشور بسط بدهیم و بنده طرفدار این فکر هستم که بتوانیم در دهات مخصوصاً دبستانهای بسازیم ولی از این نظر که الزام قطعی برای وزارت فرهنگ نیست بنظر بنده بیشتر تبدیل میشود به يك برنامه ساختمانی در سراسر دهات و فشاری به مردم زائد بر آن میزانی که دولت و وزارت فرهنگ بتواند تأمین منظور کند از این جهت بود که این عرایض را بنده کردم تا نظر نمایندگان را جلب کنم که توجه کاملی بفرمایند چون شور اول است و اگر پیشنهاد هائی هم هست اصلاحاتی بشود که این کار بصورت بهتری در بیاید که آن منظور واقعی هم تأمین شود.

رئیس - آقای دکتر شاهکار.

دکتر شاهکار - بنده متأسفم که آقای وزیر فرهنگ در اینجا نیستند که این مطالب را حضوراً به ایشان بگویم ولی امیدوارم آقای معاون نخست وزیر عین مطالبی را که میگویم بالا اقل خلاصه آنرا به اطلاع آقای وزیر فرهنگ و دولت برسانند این آماري که چندی قبل اداره آمار داد از نظر عدد گرچه پائین است فقط این مطلب باید جلب توجه آقایان را بکند که تعداد بیسوادها در مملکت متأسفانه زیاد است و بانام کوشش هائی که میشود در پیشرفت مملکت و

خوشبختانه نتایج بسیار درخشانی دارد باز این مطلب باقی است که يك نسبت پور ساتناز زیادی در کشور شاهنشاهی از بیسوادهاست علت این مطلب را بنده آقایان به مناسبت دیگری عرض کردم به دلیل این است که ماهمه چیز را از دولت میخواهیم و بیش از هشتاد درصد از دولت میخواهیم و مادام که خودمان تمام مردم و همگان همکاری نکنند برای اجرای امری انجام آن غیر ممکن است بنده چون افتخار دارم که در دو تا از دبیرستانها در یکی از آنها رئیس انجمن همکاری خانه و مدرسه هستم و در دیگری عضو هستم بر خوردم باینکه هر وقت به اولیای اطفال مراجعه کردیم برای کومک که به فرهنگ آنها وام هائی داده‌اند و یا کومک کرده‌اند و جواب مثبت داده‌اند کیرم این مطالب را باید بهشان تذکر داد و از ایشان خواست که بکنند امروز در چگونگی تقسیم ثروت و چگونگی تقسیم مخارج برای اولیای اطفال این عادت هنوز پیدا نشده است که به فرهنگشان از نظر مادی کومک کنند ولی خیال میکنم اگر از ایشان بخواهند کومک خواهند کرد و انشاءالله اگر يك روزی فرهنگ ماملی شد ملاحظه خواهید فرمود که ایرانی‌ها يك جواب مثبتی خواهند داد و اگر بخواهید این را تحمیل ببودجه کنید يك تورمی روی تورم دیگری خواهد آمد و بهتر این است که خود مردم برای فرهنگ خرج کنند کسی که برای لباس برای زینت لباس برای رفاه مادیش همه گونه خرج میکند قطعاً برای تربیت فرزندش عزیزترین چیزی که دارد فرزندش است قطعاً علاقه دارد همه جور مخارجی را عهده دار شود بنده فرد کارمند دون پایه و معمار درجه ۳ سراغ دارم که با وسایل بسیار مشکلی وسایل تحصیل يك یا دو تا فرزندش را تهیه میکند و اگر ما بهش بگوئیم به فرهنگ ایران کومک بکن و از او بخواهیم خواهد کرد این است که هر قدمی که برداشته شود برای فرهنگ مساعد است بنده الان به مناسبتی يك دوسیه در دستم است که يك کومک فرهنگی شده به مبلغ ۱۶۳۸۴۵۰ تومان یعنی مبلغی که امیدوارم در آئیه نزدیکی به ۱۵ میلیون تومان برسد آقای وزیر فرهنگ تشریف آوردند امیدوارم که در آئیه نزدیکی این مبلغ باینامه‌ای که در پیش است به ۱۵ میلیون تومان برسد آقایان در این صورتی که من اجازه ندارم بخوانم ولی چاپی است اشخاصی هستند که صد هزار تومان مجاناً و بلا عوض داده‌اند، در این صورتی که در دستم است ۵۰ هزار تومان صد هزار تومان

هفتاد، شصت هزار تومان داده‌اند و دو دست تومان هم داده شده این آقایان پولها را داده‌اند از برای اینکه جوایهائی مملکت بتوانند تحصیل خودشان را ادامه بدهند و این مطلب در ظرف ۵ ماه انجام شده و خوشوقتیم که بشما عرض کنم منافع این پول در ظرف ۵ ماه شد ۱۶ هزار تومان خرجش شد ۱۲۰۰ تومان یعنی ۱۴ هزار تومان در ظرف ۵ ماه آقای وزیر فرهنگ اطلاع دارند به ۳۰ محصل کومک شد اگر از این قبیل ابتکارات بکنند و مخصوصاً مطبوعات باید تبلیغات بکنند تا فرهنگ ما بجائی برسد که شأن کشور شاهنشاهی است و باور بفرمائید روی این کومک ها است که در تمام کمیسیونها که تشکیل شد آقای وزیر فرهنگ باید شاهد باشند چه در کمیسیون دادگستری و چه در کمیسیون های دیگر که ما شرکت داشتیم آنچه‌هایی که پای مدرسه در میان بود مایک تسهیلاتی برایش قائل شده‌ایم گفتیم تخلیه نمیتواند بکند مال الاجاره نمیتواند بگیرد و لسی کومک های مادی ضروری هم لازم است، جناب آقای عمیدی اوری با روح موافقی با این لایحه صحبت کردند و این شأن فرهنگی و مطبوعاتی ایشان بود و الا نواقصی در لایحه هست که رفع خواهد شد و این مطلب را بنده ضروری میدانم و يك خورده بالاتر میدانم، یکی از این مواد مصادره است ولی تقریباً لازم است برای منافع عمومی یعنی امروز ما از وزیر فرهنگ مطالبی را میخواهیم میگوئیم فلان مدرسه معلمش کم است فلان چاقطور شود ایشان جواب میدهند جز اینکه من این حقوق را چیزی خودم را بگیرم که خدای من میداند در يك خانه محقر اجاره‌ای زندگی میکند کار دیگری نمیکند بنا این بودجه‌ای که ما برای فرهنگیان داریم در مملکتمان الآن در تهران بنظرم هشت هزار نفر مشغول دادن امتحان دیپلم هستند و در حدود ۱/۵ میلیون نفر ما محصل داریم و ۴ برابر این را احتیاج داریم بودجه وزارت فرهنگ ما باید ده برابر این باشد، این گفتنش آسان است ولی عملش مشکلی است و راهش هم کمک افراد است کومک از چند ناحیه باید بشود اول هم تهیه خانه است که این نظر در این مواد منظور شده است که اول قدم تأمین خانه است و در نظر گرفته شده که هر کسی يك کوی میسازد و برای صد خانوار این حد اقل باید برای دبستان هم يك بنائی بسازد که محل نشو و نماي کودکان آن محل و تعلیم و تربیت آنها باشد و مالکی که دبستانی در دهش دارد باید تعمیر آنرا به عهده بگیرد اما

بنده این مطلب را اینجا تذکر دادم که بسیار خوب است این را باید تعمیماً داد در این گزارش در نظر گرفته شده برای کوی دانشجویان در خارجه از هر مسافری ۵۰ تومان گرفته شود و از هر زائری دو دست تومان اولاً من مخالفم از همان آقای زائر هم باید ۵۰۰ ریال گرفته شود این فکر بسیار خوبی است این را توسعه بدهید در پاریس آقای وزیر فرهنگ اطلاع دارند میدانم آقای سرپرست کل اطلاع دارند میدانم آقای سرپرست کل اطلاع دارند با این یکی از گرفتاریهای محصلین پیدا کردن جاست این پروبلمی است يك مسأله عجیبی است که داریم و ایران یکی از کشورهائی است که محصل بخارج زیاد میفرستد یعنی واقعاً در تائزات حد اقل دارد میفرستد حد اقل این است که باید يك مسکن برای محصلین تهیه کنیم و هر چه زودتر باید این کار را بکنیم بودجه اداره سرپرستی ما بودجه بزرگی است ولی خیال میکنم در مقابل این بودجه باید حتماً برای پیشرفت تحصیل شرط اولیه زندگی محصل که عبارت از مسکن است فکری بشود مطابق بودجه‌ای که دولت اجازه میدهد برای هر محصلی که به خرج خودش میبرد فرهنگ بنده زاده هم در تعداد آنهاست به نظر من در حدود ۷۰ هزار فرانک است که ۲۰ هزار فرانک را باید بدهد برای مسکن و همین مقدار را باید بدهد بدانگاه می دانید از کجا باید صرفه جوئی کند؟ از غذایش، و وقتی از غذایش صرفه جوئی کنند وضع مزاجی او معلوم است و هر قدر ممکن باشد محصل از آن صرف نظر میکند بیشتر هم که نمیشود فرستاد اما اگر شما منزل به اختیارش بگذارید این بیست هزار فرانک میرسد به پنج هزار فرانک و این پانزده هزار فرانک صرف غذا و تغذیه او خواهد شد این را وزارت فرهنگ از خدا میخواهد همه این مطالب را بهتر از بنده میدانند اما باید محل آنرا تأمین کرد کسی نباید تأمین کند؟ همه، باور بفرمائید جناب آقای وزیر فرهنگ این یکی از تبلیغات بزرگ خیلی مفید است یکی از کامپاین‌های بزرگی که در این مملکت باید بشود برای راندن مردم است بطرف کمک بفرهنگ مردم این مملکت همه شان نشان داده اند برای امور خیریه دستشان باز است این همه اوقاف و این همه امور خیریه که شده، وقتی مردم مطمئن باشند که بمصرف میرسد خواهند داد در این صورتی که من دارم اشخاصی هستند که باور بفرمائید هزار تومان و پانصد تومان را باشکال میدهند صد هزار تومان داده اند چرا داده‌اند؟ بعلمت این که مطمئن هستند که این کمیسیون

زیر نظر رئیس دولت است زیر نظر وزیر فرهنگ است
زیر نظر رئیس دانشگاه است زیر نظر رئیس اطلاق بازرگانی
است و یکشاهی تفریط نمیشود بنده امروز آمدم به رفقای
مجلسی ام گفتم میخواهم دست نکندی دراز کنم و از این ها
کمک بخواهم برای این مؤسسه اگر همه باهم آمدیم این
کار خواهد شد و گریه این کار غیر ممکن است یکی از
عادات بد ما این است که دستمان را میگذاریم روی دستمان
و همیشه از دولت میخواهیم بدون اینکه خودمان کمترین
کوششی به دولت بکنیم و بنده توجه دولت را باین مطلب
جلب میکنم که تشویق کند هدایت کند راهنمایی
بکند با پول کم این مملکت درست خواهد شد بنده
مثالی برای شما میزنم، حد متوسط عوائد يك نفر ایرانی
با کمال تأسف باید عرض کنم که در حدود ۴۰۰ ریال
است، از همین اشخاص، همین آدم اگر بخواهید که يك
کومک ناقابلی بکند خواهد کرد. کیرم این عدد های
کوچک خیلی خواهد شد. آقای وزیر فرهنگ - بودجه
وزارت فرهنگتان چقدر است؟ (وزیر فرهنگ - پانصد
میلیون تومان، با دانشگاهها ۷۰۰ میلیون تومان) برای
يك مملکتی که ۲۱ میلیون جمعیت دارد بیش از این بودجه
کلی مملکت نمیشود تحمیل کرد. بودجه شهرداری، بودجه
عوارض، مسافرت و غیره ولی يك راهی هست و آن راه این
است که افراد کومک کنند شما وقتی یک هزار میلیون تومان
تقسیم کنید به ۲۰۰ میلیون جمعیت علی قدر مرا تبهم مبینید
که این مبلغ پرداخته شد با کمال سهولت و بودجه وزارت
فرهنگ هم تأمین شد و حال آنکه بطور قطع در شرائط
فعالی باید يك صفر جلوی ۵۰۰ میلیون تومان گذاشت یعنی
این عدد باید ده برابر شود برای اینکه احتیاجات فرهنگی
ما تأمین بشود، نتیجه اینکه میخواستم از عرایض بگیرم و
آقای منوچهر تیمور تاش هم بعرایض من توجه فرمایند
چون میدانم علاقمندند باین کار این است که این قانون يك
قدم کوچکی است که برداشته شده، جنبه ظاهری قانون
زنده هست ولی این جز تشویق مردم به پیشرفت فرهنگ
جز روشن کردن چشمهای مردم و خدمت بمملکت مطلب
دیگری نیست این قدم باید برداشته بشود و قدمهایی هم در
ردیف این برداشته بشود، شما خانه بسازید ولی این خانه
انائیه لازم دارد، معلم لازم دارد، مادامیکه حقوق معلم از
هر حیث تأمین نشود نمیتوانید از این معلم آن فداکاری را
کسی يك نفر معلم باید بکند بخواهید، صندوق وزارت

فرهنگ تو خالی است چشم ملت ایران بچیپ خود ملت
ایران است ما باید روی پای خودمان بایستیم این عبارت
خیلی کهنه است و قدیمی است، ابتکارش از بنده نیست،
همه کس میداند که گفته اند، هر دبستانی که باز کنید ده تا
زندان را درس را می بندید، متأسفانه زندانهای ما پر است
و دبستانهای ما سببه خالی است، بیایید این را عکس کنید
راهش چیست؟ راهش دست رفتن نوری جیب است و کومک
است، يك ریال اعانه بفرهنگ ایران قدم بزرگی است
امیدوارم این يك ریال بشود ده ریال، صد ریال، هزار ریال
و يك میلیون ریال علی قدر مراتبم باید مردم را تشویق کرد
که بفرهنگ مملکت کومک کنند و امثال این جور قوانین
را بیاورید و آن جائی که آقای وزیر فرهنگ است يك
خورده کمربند هایمان را سفت کنیم و این را از هر کس
بخواهید مطمئن باشید آقای وزیر فرهنگ فرزندان این
مملکت هیچوقت در مقابل امیر خیر و کومک بفرهنگ
مضایقه ندارند و خودداری نمیکنند و بخواهند کرد کیرم باید
رفت دنبالش، خودشان نمیآیند بدهند، بروید دنبالش با
کمال میل خواهند پرداخت و اشخاصی کومک خواهند کرد
که حتی از شما خواهند خواست که اسمشان را هم ببرید.
رئیس - آقای صدر زاده.
صدر زاده - دو نفر از همکاران بنده، جناب آقای عمیدی
نوری و جناب آقای دکتر شاهکار حق مطلب را ادا فرمودند
و بنده بطور اختصار میخواهم عرض کنم مطابق آماري که
در سال ۳۵ تهیه شده است در این مملکت بخوبی مینمایاند
که اکثریت این مملکت در دهات زندگی میکنند یعنی
مشغول امر کشاورزی و تولید هستند این میزانی که راجع
به باسواد و برای تمام مملکت گفته میشود باعتبار ساکنین
شهرستانهاست والا اگر بخواهیم يك مقایسه علیحده ای
نسبت بساکنین دهات بکنیم آنوقت میزان به پنج در صد
و شش در صد خواهد رسید و حتی خود بنده در نظر دارم که
در پانزده، شانزده سال قبل که برای يك دهی بمعاینه رفتم در
یکی از دهات فارس يك فرد نویسنده در آنجا یافت میشد مردم
آن ده اگر میخواستند مطلبی بنویسند باید بروند ملائی از ده
دیگر بیاورند که برای آنها خط بنویسد وزارت فرهنگ
بموجب این قانون تمام ملت ایران را دعوت کرده است
که برای فرهنگ کشور و سواد یاد دادن بمردم دهات
مشارکت کنند، معاونت کنند و ما باید همه باین دعوت
جواب مثبت بدهیم و چاره ای هم غیر از این نیست. دو نکته
جناب آقای عمیدی نوری فرمودند که بنده لازم است خاطر

مبارکشان را باین نکته متوجه بسازم، آقای مالکی که محصول ملک را بر میدارد و از نیروی فعاله این مردم زحمتکش دهات استفاده میکند باید خرج يك ساختمان دبستان را هم بدهد، اگر نداد و محصول را برداشت برد جایز است که از مال او توقیف کنند و استفاده بکنند والا يك مالک درستکار و شریفی بدون اینکه دعوت بشود خودش میسازد اما راجع بآموزگار درست فرمودند، نکته دقیق بود امروز وزارت فرهنگ از نقطه نظر آموزگار و دبیر در مضيقه است ولی دارد فعالیت میکند که تهیه بکند و رفع احتیاج را در آینده بکند، چیزی که هست يك قسمت از بودجه فرهنگ اکنون صرف ساختمان میشود بعد از اینکه این ساختمان را خود مردم تحمل کردند بودجه يك فراغی پیدا میکنند که بتواند آموزگار را در بر استخدام کند و ماده ۱۲ همین قانون دولت را مکلف کرده است که آموزگار تهیه بکند، ماده را بنده قرائت میکنم: وزارت فرهنگ مکلف است همه ساله اعتبار تأسیس دبستانهایی را که بموجب این قانون ساخته میشود در بودجه خود منظور نماید و آموزگاران مورد احتیاج را تربیت کند بنحویکه پس از آماده شدن ساختمان در هر محل نسبت بتأسیس دبستان اقدام شود اینهم تکلیفی است که در این لایحه برای وزارت فرهنگ در نظر گرفته شده است البته آقایان محترم توجه دارند که ده روز یا ۹ روز دیگر بیشتر بیایان این مجلس نمائده، این لایحه هم مسلماً یکی از لواجیحی است که تحول عظیمی در فرهنگ ایران بوجود خواهد آورد که توضیح این قسمت را جناب آقای دکتر شاهکار با آن بیان شیوایشان فرمودند، جمعی از آقایان نمایندگان محترم از مقام محترم ریاست تقاضا کردند که نسبت باین لایحه بیک فوریت رسیدگی بشود استدعا میکنم این تقاضا مورد توجه قرار بگیرد.

رئیس - عده ای از آقایان نمایندگان تقاضای فوریت کرده اند قرائت میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینمایم لایحه ساختمان دبستانهای کشور با يك فوریت مطرح شود: یو کتر بینا - استخر - دکتر اسدی - دکتر فریدون افشار - حکیمی - احمد مهران - ساکینیان - فخر طباطبائی - دکتر حسن افشار - بوربور و چند امضاء دیگر.

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی گرفته

میشود باین پیشنهاد آقایانی که با فوریت موافقت قیام فرمایند (عده زیادی قیام کردند) تصویب شد در کلیات دیگر کسی اجازه صحبت نخواست است، رأی میگیریم بورود در مواد آقایانی که با ورود در شور موافقت قیام فرمایند (عده کثیری برخاستند) تصویب شد، ماده اول قرائت میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

ماده ۱ - تهیه زمین و آب متعارف و ساختمان دبستان و محل سکونت آموزگار و زمین ورزش در هر يك از دهات بموده مالک یا مالکین آن میباشد که طبق طبقه بندی کلی که وزارت فرهنگ بانوجه به جمعیت محل بعمل خواهد آورد از طرف وزارت فرهنگ با تعیین مقدار زمین و قیمت آن و مخارج ساختمان بمالک یا مالکین اطلاع داده خواهد شد. و هر يك از مالکین مکلفند مخارج ساختمان و قیمت زمین را دفعه یا با قسط سالیانه مساوی در مدت حدا کثر شش سال بحساب مخصوصی که وزارت فرهنگ در مرکز بخش یا شهرستان قبلاً افتتاح نموده پرداخت نماید.

تبصره ۱ - در دهانی که مالکین متعدد دارد سهمیه هر يك از مالکین متناسب با سهم مالکانه آنها خواهد بود.

تبصره ۲ - هرگاه مالکی دبستان و خانه معلم را ساخته و تحویل نماید از پرداخت اقساط سالیانه و سهمیه مربوط معاف خواهد بود.

تبصره ۳ - دهانی که در مجاور یکدیگر قرار دارند و بمناسبت قلت جمعیت در هر يك از آنها ایجاد يك دبستان ضرورت ندارد در یکی از دهات که به تشخیص وزارت فرهنگ مرکزیت دارد دبستان بنا خواهد شد در اینصورت مالکین دهات مجاور موظفند سهمیه متناسبی برای خرید زمین و بنای دبستان و خانه معلم پرداخت نمایند.

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) پیشنهادهای رسیده قرائت میشود.

(پیشنهاد آقای فلیکس آقایان شرح زیر خوانده شد)

ریاست معظم مجلس شورای ملی - پیشنهاد مینمایم تبصره ۲ ماده ۱ بشرح زیر اصلاح شود.

تبصره ۲ - هرگاه مالکی دبستان ساخته و محل سکونت در اختیار معلم بگذارد از پرداخت اقساط سالیانه و سهمیه مربوط معاف خواهد بود. فلیکس آقایان

رئیس - آقای آقایان.

فلیکس آقایان - در این ماده ۱ مقرر شده است که

مالکین مکلف هستند که دبستان بسازند و یک خانه هم برای معلمین بسازند بنده فکر میکنم اگر زیاد عجله نکنیم و قدم بقدم جلو برویم و بهمان دبستان اکتفا کنیم چنانچه مالکینی باشند که فرض کنید یک اطاق، دو اطاق، سه اطاق در خانه خودشان داشته باشند و یا یک محل سکونتی برای معلم تهیه کنند دیگر الزام این که ساختمان خاصی معلم تهیه بشود در دهات فعلاً نباشد حالا دیگر بسته بنظر آقایان است که اگر مایلید که حتماً یک ساختمان علیحده ای بسازند برای معلم، ممکن است دچار مشکلات بشوید، برای اینکه در بعضی دهات ممکن است مالکین آن استطاعت لازم را نداشته باشند که هم مدرسه بسازند و هم یک خانه علیحده برای سکونت معلم بسازند، اگر جا داشته باشند همان جای خودشان را در اختیار معلم بگذارند بنظر بنده کافی است.

رئیس - آقای تیمورتاش با پیشنهاد مخالفید؟

تیمورتاش - بله.

رئیس - بفرمائید.

تیمورتاش - والله حقیقت مطلب این بود که خود بنده راجع باین تبصره ۲ درست نفهمیده بودم مطلب چیست از جناب آقای وزیر فرهنگ و جناب آقای مخبر توضیح خواستم توضیحی که دادند بنده را قانع کرد و خیال میکنم جناب آقای همکار محترم را هم قانع بکنند خلاصه تبصره دو این است: چونکه منظور اساسی در این ماده ساختمان دبستان است و این پولی را که از مالک میخواهند بگیرند برای این است که این ساختمان ساخته بشود در صورتیکه این را ساخت و تحویل داد معاف از پرداخت آن پول خواهد شد و این تأمین منظور جنابعالی است و خیال میکنم منظورتان عملی شده باشد این تبصره مؤید آن نظر آقایان است.

رئیس - آقای وزیر فرهنگ.

وزیر فرهنگ - در ماده اول ملاحظه فرمودید ذکر شده وزارت فرهنگ معین میکند به تناسب جمعیت هر دهی که آن دبستانی که باید آنجا ساخته بشود چه خواهد بود یعنی چندتا کلاس میتواند داشته باشد، شاید در بعضی دهات یک دبستان یک کلاسه کافی باشد، ۲۰ تا ۳۰ تا بچه است و این بچهها در یک کلاس تحت تعلیم قرار میگیرند، در بعضی جاها جمعیت بیشتری است و ممکن است ۲ تا سه تا کلاس داشته باشد در اینصورت اینجا در نظر گرفته شده است که وزارت فرهنگ با توجه به جمعیت هر ده تعیین بکند که دبستان

آن ده دارای چند کلاس است و بنا بر این چقدر خرجش است و این را هم عرض میکنم در این قانون پیش بینی شده که این ساختمانها باید متناسب با وضع آن ده باشد منظور این نیست که ساختمانهای مجلل ولو کسی بکنیم، همینقدر که یک اطاق سایه بانی باشد که بچهها بتوانند آنجا تحصیل کنند، خرج زیادی هم نخواهد داشت، این را وزارت فرهنگ معین میکند و بمالک اطلاع میدهد و مالک میتواند در ظرف مدت ۶ سال اقساطاً این خرج را در آن حساب بگذارد و وزارت فرهنگ این مدرسه را بسازد. این ماده اول است ولی مابیش بینی کردیم که یک مالک ممکن است خودش بسازد. خودش یک محل مناسب را مطابق نظر وزارت فرهنگ بسازد و تحویل بدهد در اینصورت دیگر مورد ندارد از آن مالک اقساط سالیانه را ادعا بکنند نظر آقای فلیکس آقایان در اینجا تأمین است نسبت بدبستان و همینطور نسبت بخانه برای محل سکونت آموزگار، یک اطاق آموزگار بیشتر نمیکند که آنجا بتوانند سکنتی بکنند اگر یک اطاق متناسبی باو بدهند دیگر از پرداخت آن اقساط معاف است و تبصره ۲ کاملاً روشن است.

رئیس - آقای عمیدی نوری مخالفید؟ عمیدی نوری - بنده با ایشان موافقم) یک مخالف صحبت کرده یک موافق هم میتواند در باره این پیشنهاد صحبت کند، آقای عمیدی نوری عمیدی نوری - جناب آقای وزیر فرهنگ نظرهایکی است ولی عبارت طوری است که درست رسایست، نظر جنابعالی باین نحوی که فرمودید خیلی روشن است حالا بنده بآن طبقه بندی که در ماده یک مرقوم شده کاری ندارم، چطور ممکن است که ما بتوانیم دهانمان را طبقه بندی کنیم (وزیر فرهنگ - از نظر جمعیت) از نظر جمعیت کار ندارم از نظر ساختمان عرض میکنم دهات را طبقه بندی نمیشود کرد یک دهی هست کوهستانی است و یک دهی است قشلاقی است در کنار دریا بنائی که آنجا میشود ساخت غیر از آن بنائی است که اینجا میشود ساخت. یک دهاتی است که همانطوری که فرمودید جمعیتش و وضعیتش طوریست که بنای خاصی باید ساخت، یک جا طوریست که باید بنای آجری و سیمانی ساخت این همانطوری که فرمودید باید متناسب با محل و وضعیت خودش باشد و منظور این است که بنائی باشد که متناسب باشد و محصل بتواند در آنجا درس بخواند و یک خانه هم برای آموزگار باشد، گاهی پیش میآید که در یک دهی ساختمان متناسب تری هم هست، فرض کنید

محل اربابی است خانههایی هست موجود است و این خانهها موجود را میشود برای دبستان و خانه معلم در اختیار وزارت فرهنگ گذاشت در این صورت دیگر نباید الزام کنیم که حتماً خانه و دبستانی بسازند این عبارت تبصره ۲ الزام بر ساختمان دارد میگوید هر گاه مالکی دبستان و خانه معلم را ساخته و تحویل نماید، یا محل های مناسبی در اختیار وزارت فرهنگ بگذارد از پرداخت اقساط معاف باشد. (عمیدی نوری - شامل گذشته میشود) خوب، نموده یا بنماید اینطور میشود یا محل های مناسبی را در اختیار وزارت فرهنگ گذارد یا بگذارد از پرداخت اقساط معاف است. (عمیدی نوری - بنده موافقم).

رئیس - یک دفعه دیگر قرائت میشود و رأی گرفته میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

تبصره ۲ - هر گاه مالکی دبستان و خانه معلم را ساخته و تحویل نماید و یا محل های مناسبی را در اختیار وزارت فرهنگ گذارد یا بگذارد از پرداخت اقساط سالیانه و سهمیه مربوطه معاف خواهد بود. عمیدی نوری.

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد اصلاحی آقای عمیدی نوری بشرحیکه قرائت شد آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد. پیشنهاد دیگری قرائت میشود. (پیشنهاد آقای مهندس بهبودی بشرح زیر خوانده شد).

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینماید کلمه «آموزگار» تبدیل به «آموزگاران» و کلمه «غیرمحل» اضافه بشود.

رئیس - آقای مهندس بهبودی.

مهندس بهبودی - در لایحه قید شده ساختمان دبستان و محل سکونت آموزگار، استنباط بنده این است که محل سکونت آموزگار بفرزاد اطلاق میشود و اگر مدرسه ای باشد که دو یا سه آموزگار داشته باشد اگر خانه برای یکی ساخته بشود این حق از سایر مالکین ساقط میشود این است که بنده پیشنهاد کردم آموزگار تبدیل به جمع بشود و آموزگاران بشود و ثانیاً موافقت بفرمائید یک کلمه «غیرمحل» هم اضافه بشود که اگر یک آموزگاری اهل محل باشد و خودش منزل داشته باشد دیگر مالک تکلیفی نداشته باشد خانه برای آن آموزگار بسازد.

رئیس - آقای وزیر فرهنگ.

وزیر فرهنگ - هر چند کلمه آموزگار کلمه اعم است و وقتی گفته می شود، اعم از یک نفر و چند نفر است معذک اگر اصراری دارند بنده قبول میکنم ولی این قید کلمه غیر

محل اربابی است خانههایی هست موجود است و این خانهها موجود را میشود برای دبستان و خانه معلم در اختیار وزارت فرهنگ گذاشت در این صورت دیگر نباید الزام کنیم که حتماً خانه و دبستانی بسازند این عبارت تبصره ۲ الزام بر ساختمان دارد میگوید هر گاه مالکی دبستان و خانه معلم را ساخته و تحویل نماید، این آن منظوری که که حضرت عالی فرمودید تأمین نمیکند همان ایراد است که آقای فلیکس آقایان عرض رساند یعنی گفت پیشنهاد هم ناظر باین معنی است که اگر خانه را تحویل داد دیگر لازم نیست که یک خانه ای مجدداً بسازد، بنده این تبصره را بشکل دیگری بهمین بیانی که حضورتان عرض کردم اصلاح کردم و پیشنهاد اصلاحی دادم که اولاً در دهاتی که محل برای دبستان و خانه معلم موجود است چنانچه متناسب بود دیگر کاری آنجا نداشته باشند بعد هم در نقاطی که مدرسه نیست و امر میفرمائید که مدرسه و خانه ساخته بشود. اگر خانه و دبستان متناسبی تحویل داد دیگر این گرفتاری را نداشته باشد این نظر با نظر شما یکی است ولی این تبصره ۲ این معنی را نمیرساند، این تبصره میرساند که باید بهر حال مجدداً چیزی بسازد و خانه معلم هم بسازد و تحویل بدهد، در حالیکه منظور جنابعالی با بیانی که فرمودید عین آن پیشنهاد است که بنده دادم و آن پیشنهاد چون مکمل پیشنهادهای آقایان است و تقریباً مشابه است تمنی میکنم بفرمائید که آن پیشنهاد را بخوانند که هم منظور وزارت فرهنگ تأمین بشود و هم زیاد ایجاد مزاحمتی نکند.

رئیس - پیشنهاد آقای عمیدی نوری خوانده میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می نمایم تبصره ۲ اینطور اصلاح شود:

تبصره ۲ - در دهاتی که فعلاً محل برای دبستان و خانه معلم تأمین است و در هر دهی که مالک یا مالکین دبستان و خانه معلم در اختیار بگذارند از پرداخت اقساط سالیانه و سهمیه مربوطه معاف خواهند بود. عمیدی نوری

رئیس - آقای وزیر فرهنگ

وزیر فرهنگ - بنده اصولاً باین پیشنهاد اصلاحی موافقم فقط یک نکته ایست که میخواهم عرض کنم شاید محتاج اصلاحی باشد و آن این است که اینکه میفرمائید دهاتی که الان محل برای دبستان موجود است معاف باشد، در بعضی دهات الان محل هست برای دبستان، ولی محل

مجلسی يك كلمه خیلی مبهم و غیر معلومی است مقصود معلوم نیست چی هست، یعنی اهل محل باشد، زائیده آن محل باشد، الآن ما همین گرفتاری را داریم راجع به مزایای کارمندان به بومی و غیر بومی، بنده برای تأمین نظر جنابعالی اینطور تصور میکنم اگر ذکر بشود بهتر است: و محل سکونت آموزگاران که مالک محل سکونت خودشان نیستند یعنی مالک محلی که سکونت میکنند نیستند، منظور جنابعالی تأمین است یعنی اگر در يك دهی آموزگاری باشد خودش منزل داشته باشد البته ما احتیاج نداریم برای او خانه بسازیم؛ اما اگر محل سکونت نداشته باشد اعم از اینکه بومی باشد یا نباشد البته باید خانه و محل سکونتی باو داده بشود، محل سکونتی شخصی نداشته باشد و ساختمان دبستان و محل سکونت آموزگاران که آنجا محل سکونی نداشته باشند.

رئیس - آقای بهبودی (بهبودی) بنده موافقم با این اصلاح آقای وزیر فرهنگ (قرائت کنید آقای مخبر. صدرزاده (مخبر) - ماده ۱ - تهیه زمین و آب متعارف و ساختمان دبستان و محل سکونت آموزگاران که در آنجا محل سکونی نداشته باشند.

رئیس - آقایانی که با این پیشنهاد اصلاحی موافقت قیام فرمایند. (عده زیادی برخاستند) تصویب شد پیشنهاد دیگر قرائت میشود (پیشنهاد آقای دکتر دادفر بشرح زیر خوانده شد).

پیشنهاد می‌نمایم که در تبصره ۲ ماده اول بعد از عبارت دبستان و خانه معلم عبارت (طبق نقشه وزارت فرهنگ) علاوه شود.

چند نفر از نمایندگان - در خود مواد هست. دکتر دادفر - پس گرفتم.

رئیس - پیشنهاد دیگری خوانده میشود. (پیشنهاد آقای مهندس دهستانی بشرح زیر خوانده شد)

مقام معظم ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد می‌نمایم که تبصره ذیل بماده اول اضافه شود.

تبصره - وزارت فرهنگ مکلف است به محض تکمیل ساختمان دبستان هر ده آموزگار به محل اعزام و وسایل لازم برای شروع تحصیل دانش آموزان را فراهم نماید.

مهندس دهستانی

رئیس - آقای دهستانی. دهستانی - بنده پیشنهاد کردم که وقتی ما بمالک فشار می‌آوریم که در ظرف ۶ سال بیاید سهمیه بدهد و دبستان

ساخته بشود وزارت فرهنگ هم در مقابل تعهدی بکنند که بمحض اینکه ساختمان تهیه شد وسائل لازم تهیه بکنند و معلم با آنجا بفرستند، الآن من در اطراف تهران جاهائی را می‌شناسم که ساختمان دارند و خانه هم تهیه کرده‌اند ولی وزارت فرهنگ بواسطه ضیق بودجه هنوز نتوانسته معلم بآن محل بفرستد یا نتوانسته معلم استخدام بکنند این است که خواستم استدعا بکنم توجهی باین پیشنهاد بفرمایند و اگر ممکن است تصویب بفرمایند (احسنت).

رئیس - آقای وزیر فرهنگ. وزیر فرهنگ - این پیشنهاد در ماده ۱۲ پیش بینی شده است، همین قانون که ساختمانهائی که باین طریق درست میشود وزارت فرهنگ مکلف است برای آنجا آموزگار بفرستد و اداره بکنند گمان میکنم نظر جنابعالی تأمین است و بعلاوه فرمودید در اطراف تهران جاهائی هست که مدرسه ساخته‌اند خواهش میکنم هر جائی که مدرسه ساخته‌اند به بنده بفرمائید که معلم با آنجا بفرستیم.

رئیس - چون نظرشان تأمین شده پیشنهادشانرا پس گرفتند پیشنهاد دیگری قرائت میشود.

(پیشنهاد آقای دکتر امیرحکمت بشرح زیر خوانده شد) مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱ (لابحه ساختمان دبستان ها) بترتیب زیر اصلاح شود:

ماده ۱ - تهیه زمین و آب متعارف و ساختمان دبستان و محل سکونت آموزگار و زمین ورزش در هر يك از دهات بمعهده مالک یا مالکین آن میباشد که طبق طبقه‌بندی کلی که وزارت فرهنگ با توجه بجمعیت محل بعمل خواهد آورد از طرف وزارت فرهنگ با توافق مالک یا مالکین مخارج ساختمان و قیمت زمین را دفعه (الی آخر) دکتر امیر حکمت.

رئیس - آقای دکتر امیرحکمت.

دکتر امیر حکمت - بنده در این ماده فقط يك كلمه توافق بمالک یا مالکین را اضافه کردم، البته خودم مالک نیستم و چیزی ندارم که بیمی داشته باشم ولی گمان میکنم که اگر جنابعالی همیشه وزیر فرهنگ باشید اجحافی به مردم نخواهد شد ولی باین ترتیب بنظر بنده اشکال برای مردم ایجاد خواهد کرد بخصوص که مواد بعدی هم که بثبت اسناد هم بنویسند که معامله کنند و فلان و فلان بنظر بنده این اسباب زحمت خواهد شد و يك زحمتی

برای مالکین فراهم میکند و بهترین است که این کار با توافق مالکین انجام شود، این کار يك کارخبریه است و خود مردم هم حاضرند همکاری بکنند با دستگاه فرهنگ و نباید فشار و زحمتی در کار باشد که کراهتی ایجاد کند، منظور بنده این است باهم بنشینند و مشورت کنند يك وقت است که می‌بینید نماینده فرهنگ میگوید يك خانه‌ای برای آموزگار بسازید که فلان جور باشد، جناب آقای وزیر فرهنگ اینجا میگویند يك اطاق کافی است ولی نماینده وزارت فرهنگ میگوید نخیر چنین ساختمانی باید باشد و فلان باشد از این جهت بنظر بنده توافق مالک هم لازم است قید بشود این است که موافقت بفرمائید که با توافق و با مساعدت و صمیمیت دولت و مالک این کار انجام بشود نه با زور (احسنت).

رئیس - آقای وزیر فرهنگ. وزیر فرهنگ - عرض کنم همانطوریکه فرمودند نظر وزارت فرهنگ هم این است، یعنی نظر وزارت فرهنگ نیست نظر خود مردم این است، دولت در این مسافرتها یکبکه بنقاط مختلف مملکت کرده است استقبال مردم را برای کومک بفرهنگ ناظر و شاهد بوده است، ما در هر کجا که مردم را جمع کنیم و بگوئیم مدرسه‌تان را درست کنید اینها میکنند و هیچ دلیلی ندارد که وزارت فرهنگ که اینطور مواجه است با مردمی که خودشان اینطور علاقمندی بمملکت و فرهنگ مملکت نشان میدهند، بخواهد با آنها تحمیلاتی بکند. ملاحظه بفرمائید که در این ماده ۳ این نظر تقریباً تأمین است، نوشته است در نقاطی که مالکین شخصاً اقدام بساختن نمایند ساختمان زیر نظر شورای ده انجام میشود که این شورای ده اگر تشکیل شده مطابق تشکیلات مملکتی که شورای رسمی است اگر هم نباشد زیر نظر هیأتی مرکب از نماینده مالک یا مالکین و کدخدایان انجام خواهد شد، نقشه بنا باید بطور ساده و متناسب با آب و هوای هر محل تهیه بشود همانطوریکه عرض کردم هیچ نظر تحمیلاتی بمردم نداریم اما این جمعی که میفرمائید بنویسیم يك عیبهاست در عمل ایجاد خواهد کرد مثلاً يك دهی که خرده مالک است و ۵۰ نفر خرده مالک دارد ما بخواهیم بنشینیم با این ۵۰ نفر مالک توافق کنیم که این مدرسه چطور باشد و نقشه‌اش چه جوری باشد بنظر بنده ما را یکقدری از عمل و اجرای این قانون دور میکنند بنده با اطمینان باینکه در مواد دیگر نظر جنابعالی نسبت بچلب همکاری مردم تأمین شده استدعا میکنم از این پیشنهاد که ممکن است عملاً آن سوء استفاده

بشود صرف نظر بفرمائید.

رئیس - آقای دکتر رضائی مخالفید بفرمائید.

دکتر رضائی - همانطوریکه خود جناب آقای دکتر امیرحکمت فرمودند و مورد تأیید جناب آقای وزیر فرهنگ قرار گرفت خوشبختانه در ایران اکثریت قریب باتفاق مالکین کسانی هستند که با کمال میل و رغبت در امر فرهنگ کمک میکنند و از هیچگونه کوشش مضایقه نکرده‌اند و نخواهند کرد اما در ضمن این حقیقت را بایستی باین مطلب اضافه کرد که در ایران هم مانند تمام جوامع دنیا اشخاصی هستند که بوظایف اجتماعی خودشان آشنا نیستند و ممکن است بین مالکین هم از این عده اشخاصی وجود داشته باشد و این الزام در قانون برای رفع این اشکال و مواجه شدن با این آقایان است و الا همانطوریکه جناب آقای دکتر امیرحکمت فرمودند در موقعیکه مالک حسن‌نیت داشته باشد در حقیقت الزام قانون پیش نمی‌آید الزام فقط برای آن اشخاصی است که بوظیفه اجتماعی خودشان حاضر نیستند عمل بکنند و تصدیق خواهید کرد که در مواردی و درباره اشخاصی که حاضر نیستند بوظیفه اجتماعی خودشان عمل بکنند وجود يك چنین الزام قانونی بسیار بسیار مناسب است بنده در مخالفت با پیشنهاد جنابعالی فقط میخواهم يك سؤال بکنم چنانچه این الزام نباشد و توافق هم حاصل نشود بچه نحو عمل کنند؟ ضمانت اجرای قانون آنوقت کجاست؟ ملاحظه بفرمائید این الزام در حقیقت ضمانت اجرای این قانون است مخصوصاً ضمانت اجرا برای آن اشخاصی که تصدیق میکنم عده‌شان بسیار بسیار معدود است ولی ممکن است اشخاصی یافت بشوند که بوظیفه اجتماعی خودشان عمل نکنند ولی اجازه بفرمائید که این الزام وجود داشته باشد و امیدوارم که هیچوقت احتیاج با استفاده از این قسمت و این الزام نداشته باشیم ولی چنانچه محتاج باین الزام و محتاج با استفاده از این ضمانت اجرا شدیم این ضمانت اجرا در قانون وجود داشته باشد.

رئیس - آقای دکتر شاهکار موافقید؟ (دکتر شاهکار مخالفم) پس رأی بگیریم؟ (عده‌ای از نمایندگان کان - پس گرفتند) پیشنهاد دیگر قرائت میشود.

(پیشنهاد آقای عمیدی، توری بشرح زیر خوانده شد) پیشنهاد مینمایم در ماده يك «قیمت زمین» حذف شود. عمیدی توری.

رئیس - آقای عمیدی توری.

عمیدی توری - این ماده ناظر به این است که مالکین

زمین و مخارج ساختمان را بدهند اما من می بینم در خود ماده دو جای دیگر صحبت از دریافت قیمت خود زمین است منظور چیست؟ یعنی مالک قیمت زمین را بدهد یا خود زمین را؟ هر يك از مالکین جناب آقای دکتر رضائی سهمی از ملك دارند همچو نیست که هر کس سهمی از ملك دارد باید پول بپردازد يك دهی است فرض بفرمائید ۶ دانگ است و ۶ نفرند هر کدام مالک يك دانگ . هر کدام يك سهمی از زمینی که انتخاب شده دارند و میدهند اما پرداخت قیمت زمین مقصود چیست؟ بنده این را میخواستم بدانم، مرا روشن بفرمائید که اجباری هست که مالک بجای عین ملك حتماً قیمت بدهد، یعنی چه؟ اگر نظر تان در اراضی مفروز است تکلیف املاك مشاع چه میشود، املاك مشاعی هست، صاحبان ملك مشاع هم يك قطعه زمینی که مناسب است واگذار میکنند در آنجا هم هر يك از صاحبان سهام باید قیمت زمین را بپردازند اگر این نیست پس مساده را اصلاح بفرمائید آخر عیب این لوایجی که يك شوری میشود و ابتدا دو شوری است يك مرتبه در مجلس يك شوری میشود این است که بعد فردا تویش گیر میکنند شما اینجا نوشته اید قیمت زمین این توضیحی که الان میفرمائید مرا قانع نمیکند در جاهای مفروز ممکن است بگوئیم آن مالک سهم خود را در این ۶ دانگی مفروز بدهد اما بیشتر املاك شما در این مملکت املاك مشاع است، در املاك مشاع هم مالکین سهم ملكی را واگذار میکنند که این مدرسه ساخته بشود در اینجا مالک زمین مشاع قیمت زمین را بپردازد این مصداق پیدا نمیکند، پس لا اقل ترتیبی بفرمائید اگر این نظر را دارید که در املاك مشاع قیمت زمین پرداخت نشود يك قطعه زمینی که بصورت مفروز در يك سهم مالکی معین شده باشد در این صورت بگوئیم که مالکین آن ده قیمت آن قطعه زمین را بدهند این میشود درست و الا در این صورت کلی که در این ماده هست بنظر بنده صحیح نیست و مصداق واقعی پیدا نمیکند.

رئیس - آقای وزیر فرهنگ .

وزیر فرهنگ - اتفاقاً این يك اصلاحی است که در کمیسیون در همان شورا اول شده است، همان شوری که شد، به نظر آقایان این طور رسید که در دهاتی که مشاع است تمام مالکین بیایند يك قطعه زمینی که برای مدرسه اختصاص داده اند سهمشان را بمدرسه واگذار بکنند، این هیچ بحثی درش نیست، اما آقایان متذکر شدند و صحیح هم هست

املاکی هست که اینها افزاشده یعنی هر مالکی مالک يك قطعه زمین است با مقداری آب، حالا میخواهید يك قطعه ای از این قطعات را که مناسب برای مدرسه است انتخاب بکنید خوب این قطعه زمین مال یکی از این مالکین در میآید این جا مالک بایستی تمام این زمین را بدهد؟ نه، بایستی در این مورد قیمت این زمین را تعیین کنند آن مالک زمین سهم خودش را نسبت بقیمت باید بدهد اما از دیگران باید متناسب سهم مالکانه شان از آن قیمت زمین بگیرند البته منظور این است و بنده خیال میکنم عبارت وافی باین مقصود هست زیرا در جاهایی که عین زمین را میدهند که در آن بحثی نیست قیمت زمین لازم نیست که بدهد اما در آنجایی که عین زمین را يك مالکی نمیتواند بدهد برای اینکه زمین مال خودش نیست باید قیمت آنرا بدهد.

رئیس - آقای مخبر .

صدرزاده (مخبر کمیسیون فرهنگ) - علاوه بر توضیحی که جناب آقای وزیر فرهنگ دادند در تبصره سه هم میگویم ممکن است در يك ده دبستان لازم باشد چندده مجاور هم يك دبستان باز کنند در آن مورد هم همین حال را پیدا میکند که آن ده به تنهایی نباید آن خرج را بدهد و باید تمام آن دهات مخارج آنرا بپردازند و من خیال میکنم این يك مطلب روشنی است و دیگر باشکال بر نمیخوریم آنجا که مشاع است هر کس بقدر سهم خودش میپردازد و آنجایی که مفروز است متناسب میدهند (عمیدی نوری - قید کنید) قید دارد قربان (عمیدی نوری - چه قیدی دارد؟)

رئیس - پیشنهاد را تکمیل کردند حالا قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می نمایم که پیشنهاد سابق اینجناب اینطور اصلاح شود.

پس از جمله «و قیمت آن» اضافه شود در املاکی که مفروز شده است.

وزیر فرهنگ - مانعی ندارد موافقم

صدرزاده - بنده هم موافقم

رئیس - به این پیشنهاد اصلاحی که آقای وزیر فرهنگ هم موافقت فرمودند رأی گرفته میشود آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده يك دیگر پیشنهادی ندارد رأی گرفته میشود بماده ۱ با اصلاحاتی که بعمل آمده آقایانی که با ماده يك موافقت قیام بفرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده دوم قرائت می شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - هر يك از مالکین باید سهمیه سالیانه خود را که بر طبق ماده فوق تعیین میشود تا پایان مهرماه هر سال بحساب مربوط بپردازند و در صورتی که مالکی در پرداخت سهمیه خود کوتاهی نماید اداره فرهنگ محل موظف است طبق آئین نامه مربوط با صدور اجرائیه سهمیه مذکور را از محصول متعلق بمالك یا سایر اموال او وصول و بحساب مخصوص تحویل نماید.

رئیس - آقای خلعتبری بفرمائید.

خلعتبری - عرض کنم که هیچکس با اصل فکر و روح مطلب مخالف نمیتواند باشد ولی این قانون مثل این که يك وقتی نوشته شد که قانون اصلاحات ارضی نوشته نشده بود و در آن موقع مالکین دهات متعددی داشتند و نمیتوانستند دهات متعددی دارا باشند، و بنظر بنده فکر خوبی بود اشخاصی که درآمد زیادی دارند و املاك زیادی دارند مقداری از آن را بساختن دبستان اختصاص بدهند ولی در مقابل در سالهای قبل هم اشخاصی بودند که این کار را بصورت دیگری میکردند که نه قانون بود و نه این الزامی که امروز هست وجود داشت و تمام این موقوفاتی که در ایران ساخته شده هیچ احتیاجی باین حرفها نداشته مردم با کمال میل بفرهنگ کمک میکردند مردم معتقدات مذهبی شان این بود که تعلیم و تعلم را در میهن اسلامی خودشان رواج بدهند و بعقیده بنده ایرانی ها در آن موقعی که در هیچ کشوری از این قبیل تأسیسات نبود پیشقدم بودند این وقف نامه ها که از چندین سال پیش بوده افتخارشان همین بوده است که برای مدرسه کتاب و امثال آن ملكی تخصیص داده و مبالغی گزاف صرف کرده اند حالا این قانون وقتی آمد که هنوز قانون اصلاحات ارضی تصویب نشده بود (صحیح است) و اشخاصی دهات متعدد داشتند، بنده خواستم از جناب آقای وزیر فرهنگ سؤال کنم خوب حالا این قانون خواست اجرا بشود شما اطراف تهران و دهات آنرا مأخذ قرار ندهید دهات اطراف تهران سالی ۶۰/۵۰ و صد هزار تومان درآمد دارند دهات کردستان را مأخذ قرار بدهید دهات آذربایجان را مأخذ قرار بدهید که در سال هر کدام پنج هزار تومان شش هزار تومان یا ده هزار تومان بیشتر اعایدی مالکانه ندارند صد یا دو بیست نفر هم جمعیت داشته باشند اما درآمد مالک ۵ هزار تومان یا ده هزار تومان بیشتر نیست ما میخواهیم قانونی بگذاریم که بشود در کشور عمل کرد، شما حساب کنید

که اولاً ۴۰۰ هکتار چقدر میتواند در آمد سالیانه داشته باشد که مالک بعد از وضع معیشت خودش بقیه را بیاید بعنوان کمک بدهد چون مؤنه شخص و رفع حاجت مقدم بر اتفاق است اول باید رفع حاجت خود و خانواده اش بشود بعد از آن سهمی بدهد و خداوند هم میفرماید که هیچکس را هیچ نفسی را تکلیف نمیکشیم مگر به قدر وسعتش این آیه شریفه قرآن است بنابراین این قانون را هم ما تصویب کردیم ده هزار ۲۰ هزار دبستان با این پول ساخته بشود خوب پول این را کی باید بدهد؟ مالکینی که همه متمول نیستند، همه تاجر نیستند و چهار صد هکتار هم که بیشتر زمین ندارند اگر درآمد آنها از سه هزار تومان، چهار هزار تومان تجاوز نکند آنها قدرت ساختمان دبستان را ندارند هم دبستان و هم خانه معلم، خانه آموزگار که کمتر از سه اطاق نمیشود، سه اطاق اگر شما در هر دهی بسازید چهار پنج هزار تومان خرجش است و در نقاط کوهستانی که پنجاه و شصت خانوار زندگی میکنند برای ساختن يك دبستان و يك اطاق برای معلم قیمتش ۱۵ هزار تومان است خوب آنرا از کجا بیاورند؟ ممکن است زمینی مال بکزی باشد ممکن است مال صغیر و افراد بی بضاعت باشد این اشتباه است مالک ممکن است خرده مالک باشد، ممکن است مالک متوسط باشد، پس باید حساب اینها را باید از مالک بزرگ جدا کرد و بنده میترسم از این جهت چون اکثریت مردم خرده مالک هستند تعارض پیدا کند با فکر جنابعالی و تأمین منظور نشود و خود بنده هم با ۱۷ نفر از نزدیکان يك ده کوچکی در کوهپایه قزوین داریم که در آمد آنجا از سالی ۷ هزار تومان بیشتر نیست بنده پارسال رفتم خودم يك دبستان آنجا ساختم بچان خودم قرض کردم و ظاهر هم نکردم (صدرزاده - باید دیگران هم بکنند) و چهار هزار تومان هم قرض کردم حالا نمیشود تکلیف قانونی کرد، زیرا که با استطاعت اشخاص باید متناسب باشد اجرای این قانون در تمام مملکت ممکن نیست حالا از لحاظ قانون خوب است اما عملی نخواهد شد، عرض دوم بنده راجع بخود ماده است از لحاظ اینکه میگوید نقشه و فلات و مالک چکار کند؟ اگر پرداخت بمالك اخطار می کنند طبق آئین نامه مربوط بصورت اجرائیه و سهم مالک را میگیرند اما وزارت فرهنگ در امر قضائی نباید مداخله کند اگر يك مالکی بخواست سهمیه خودش را بدهد آقایانی که از بنده واردتر هستند در حقوق باید

این عبارت را اصلاح کنند یعنی اینکه ممکن است بداره فرهنگ اجازه داده بشود که طبق آیین نامه اجرائی اسناد رسمی اجرائیه صادر کند نه این که خودش اجرائیه صادر کند که از لحاظ قانون این اشکال تولید شود و وزارت فرهنگ دخالت در امور قضائی بکنند صحیح نیست این عبارت باید اصلاح شود.

رئیس - آقای پرفسور جمشید اعلم بفرمائید.

پرفسور جمشید اعلم - بنده از فرمایشات جناب آقای خلعتبری خیلی مستفیض شدم ولی یک نکته ای را که ایشان فرمودند توضیح ندادند فرمودند که ما بسیار موقوفات داریم و از همه بیشتر داریم برای اینکه آدمها را باسواد کنیم پس نتیجه این موقوفات چه شده و چرا ما اینهمه بی سواد داریم؟ (بکنفر از نمایندگان - میخورد) خوب این برای همین است که دیگر نخورند، شما میفرمائید بی سواد زیاد است چطور میشود در مملکت ما که اینقدر موقوفات دارد و کسب علم جزو فریضه دینی ما است اینهمه بی سواد باشد، الله اکبر، آخر اینهمه بی سواد؟ اینهمه موقوفات داریم ولی فایده اش چیست صاحب ملک بخورد؟ اما اینکه فرمودید که ۴۰۰ هکتار زمین دارند آقا هیچکس نیامده اگر یک کسی که یک ده دارد دهش را بگیرند هیچ همچو چیزی نیست، خوب هر کسیکه یک ده دارد، یک مدرسه هم درست کند، عجب حکایتی است گندمش را بردارد جوش را بردارد حبوباتش را بردارد خوب یک مدرسه هم درست کند این خجالت است اصلاً این مالک بدرد نمیخورد باید ملکش را هم ازش بگیرند، بنده معتقدم که یکی از بهترین قوانین که در این دوره مجلس شورای ملی میگذرد همین است ما باید بهر ترقیبی که شده است مردم را با سواد کنیم بچه ها را با سواد کنیم مدرسه درست کنیم خجالت است در قرن بیستم در این مملکت بگوئیم با سواد کم داریم باید با تمام قدرت مردم را با سواد کنیم حتی من تعجب میکنم که چرا آقای وزیر فرهنگ قانون تعلیمات اجباری را باین مجلس نمیآوردند (بعضی از نمایندگان - قانون هست) اگر هست باید وسایلش را هم بدهند وسایل را کی باید بدهند؟ همه اش را وزارت فرهنگ بدهد؟ وزارت فرهنگ از کجا بیآورد (دکتر مشیر فاطمی - در قزوین شما که قانون تعلیمات اجباری اجرا شده است) بنده در قزوین یک مبحث ملک ندارم آقا به قزوین تشریف بیاورید با هم مذاکره میکنیم اصلاح هم نیست اما بنده عرض میکنم که در این مملکت باید یک کاری کرد که بچه ها با سواد بشوند

و برای این کار همه اش باید از دولت توقع داشت هر کس از مواهب این مملکت و این آب و خاک بهره میبرد باید کمک کند پس دیگر این چیست که هی پیشنهاد میفرمائید تنها این راه خدمت باین مملکت است. رئیس - آقای رامبد بفرمائید.

رامبد - بنده در پیرامون این لایحه نمیخواستم عرضی بکنم ولی فرمایشات جناب آقای پرفسور جمشید اعلم بنده را وادار کرد که یک توضیحی بعرض مجلس شورای ملی برسانم. قبلاً این توضیح را بعرضتان برسانم من که راجع بمالکیت صحبت میکنم افتخار می کنم که ابتکار تقسیم املاک را بعد از شخص اعلی حضرت همایونی در تمام مملکت منحصر بخودم میدانم برای اینکه تا بحال هم یک کلمه عرض نکرده ام املاک اجداد و خانواده و تمام بستگانمان را به مبلغ ۶۲ میلیون تومان تقسیم کردم جناب آقای پرفسور جمشید اعلم (پرفسور جمشید اعلم - بسیار کار خوبی کردید) ولی اجازه بفرمائید دنباله دارد مدرسه هم ساختم، دبیرستان دخترانه هم ساختم، هیچکدام از اینها مانع این نیست که ما چوب حراج بدست بگیریم و مالکیت را در این مملکت تخطئه کنیم مالک در ایران از طبقاتی است که بیشتر از همه در این مملکت زحمت کشیده است و باین مملکت خدمت میکند (صحیح است) (پرفسور جمشید اعلم - من کی گفتم خدمت نمی کند) ردیف کردن این که گندمش را می برد جوش را می برد آردش را می برد آبش را می برد باید مقارن این باشد که فئاتش را میکند حاصلخیزش میکند نوری آفتاب جان می کند و مثل بنده کاسب نوری اطاق لو کس نمی نشیند که پول این مردم را بخارج بفرستد و واردات کند، بنا بر این اگر ما یک لایحه مرفقی را تصویب میکنیم با کمال میل هم استدلال میکنیم و بمالکین هم توصیه میکنیم شما در تمام شئون در مملکت برای بهبود قدم بر میدارید این عمل را هم بکنید ولی بنده شخص خود را عرض میکنم حق ندارم متهم بکنم که شما که میائید از همه مزایای مملکت استفاده میکنید بیائید اینکار را هم بکنید مالکین این مملکت کسانی هستند که اگر مالیاتی هم داده شده است تا آخرین جو و گندم آنها هم حساب شده و مالیاتش را داده اند و راه فراری ندارد دفتر ندارد که بتواند بسازد و اگر رعایای این مملکت بیچاره بودند نه وزارت کشاورزی و نه وزارت بهداری و نه هیچیک از وزارتخانه های دیگر توانایی این را

نداشته اند که رعایای این مملکت را که ۱۶، ۱۷ میلیون جمعیت این مملکت را تشکیل میدهند نگاهداری کنند مالکین این مملکت بوده اند که نگاهداری کرده اند بنا بر این بنده با عرض معذرت از حضور حضرت عالی در سهم خودم که این افتخار را باز دارم که حق بندهم گاهی از اوقات از زبان اهالی طالب و مردم ایران اظهار می کنند بنام مالکین ایران احترام میگذارم بنده ایشان واقفاً نظر تقدیر دارم و آنچه هم که نظر کمک هست بچون آنها را مردمان وطن پرستی میدانم والا اگر شما یک کمی نظر تعدیل دارید بهتر است نگاهای صاحبان کارخانه ها و بهیمان بهشواته اسکنداس که بکارخانه خازان اختصاص داده شده بیندازید این چه مطلبی است که هر چه صحبت بشود بگوئید مالک مالک (احسن است)

پرفسور جمشید اعلم - اجازه میفرمائید؟

رئیس - در بیان جنابعالی تحریفی شده است میخواهید بگوئید که گفته ام، بفرمائید.

پرفسور جمشید اعلم - مثل اینکه یک قدری در عرایض بنده اشتباه شده، بنده هیچوقت نگفتم که مالکین این مملکت را اداره نمیکنند، خیر اگر ما بگوئیم که مالکی یک مدرسه بسازد دلیل بر این نیست که تاجر مالیات بدهد، تاجر هم باید مالیات بدهد پس اگر یک روزی راجع بتاجر صحبت کنیم که باید مالیات بدهد یکی از آقایان پاسود بگوید مالک فلان بنده نهایت علاقه را بمالک دارم من خودم مالک نیستم ولی معتقدم که ستون فقرات یک مملکتی کشاورز و مالک آن است و باید باشد ولی میگوئیم در یک مملکتی که تویش یک مالکینی هستند که تمام منافع را میبرند (دکتر عدل - تمام منافع نیست) یک مقدارش را هم برای ساختمان مدرسه اختصاص بدهند این که جایش به مالکین بر میخورد بنده نهایت احترام را نسبت بمالکین دارم و خیلی هم از آقای رامبد تشکر می کنم که اعمالا کسان را تقسیم کردند منم اگر میداشتم به تبعیت از شاهنشاه تقسیم میکردم اما بنده معتقدم این مالکینی که با نهایت ارادت باین مملکت خدمت میکنند یکی از خدمتگزاران هم این است که بچه های دهشان را با سواد کنند.

رئیس - بنده به بجز به دیده ام که هر وقت قانونی برای اولین مرتبه به مجلس میآید و بخواه شورای در مجلس مطرح شود بیشتر طول میکشد برای اینکه اگر دو شورای باشد پیشنهاداتی که میدهند در کمیسیون مذاکره میکنند ولی چنانچه الان آقایان پیشنهاد داده اند و بمجلس شورای

که بکمیسیون رود و من وظیفه ام این بود که رأی بگیرم ولی صد تا پیشنهاد اینها هست که باید مطرح شود و در صورتی که به کمیسیون میرفت زودتر تمام میشد. آقای وزیر فرهنگ بفرمائید.

وزیر فرهنگ - بنک بهی این جا به همین آید و بنظر بنده شاید جایش در این جا نبود زیرا که بنده به آقایان عرض میکنم ما الان مواجه هستیم با یک عده زیادی از مالکین که با کمال میل و علاقه مدرسه بنا میکنند و از ما تقاضا میکنند که آموزشگاه بفرستیم و اقدام هم کردیم و میکنیم البته آقایان توجه دارند که این قانون برای کسانی است که احیاناً نکنند و الا مالکینی که این کار را میکنند کما این که در بسیاری از جاها کردند مورد احترام ما هستند و کسی از این آقایان تقاضای بیشتر از این ندارد اما اگر مالکینی باشند این را نباید بگوئیم که بیستند عده زیادی از مالکین هستند ملک زیادی هم دارند و به ما هم خیلی فشار میآوردند که برویم در ملکشان مدرسه بسازیم برای اینکه اراضیشان آباد تر بشود و قیمتش زیاد بشود برای دولت هم بسیار ناگوار است که مالیات از یک مشت مردم بگیرد بعد ببرد یک دهی را آباد کند درمانگاه و مدرسه بسازد بنده اعتقاد اینست که آقایان موافقت بفرمائید این نکته ای که آقای ارسلان خلعتبری فرمودند یک دهی ممکن است دوهزار تومان بیشتر درآمد نداشته باشد بنابر این اگر دهی درآمدش اینقدر جزئی باشد قطعاً سکنه اش خیلی کم است مدرسه اش هم بهمان تناسب خیلی کوچک خواهد بود خرجش هم بهمان تناسب خیلی کم است ما مدتی را که برای این کار قرار دادیم ۶ سال است بنابر این یک ملک که سالی ده هزار تومان درآمد داشته باشد چنین مملکتی بطور قطع صد خاوار هم بیشتر در آن نیست عده اطلاق هم از ۲۰ نفر تجاوز نمیکنند یک اطاق برای مدرسه و معلم بیشتر لازم ندارد و خرج آنها از ۲۰۰۰ تومان ۲۵۰۰ تومان تجاوز نخواهد کرد سهمیه این مالک را هم حساب کنید در سال می شود ۴۰۰ تومان و این مبلغ هم چیزی نیست. به عقیده بنده ملک که ده هزار تومان درآمد دارد مالکش ۴۰۰/۲۰۰ تومان کنار بگذارد برای ساختمان مدرسه این چیزی نیست بنده الان عملاً می بینم که آن مشکلاتی را که جنابعالی میفرمائید بر بخورد نخواهیم کرد و اینکه میفرمائید وزارت فرهنگ اجرائیه صادر میکنند اینطور نیست او شخصاً اجرائیه صادر نمی کند بوسیله مراجع قضائی اجرائیه صادر

می کند یعنی بهمان مرجع قضائی می نویسد که این مالک استنکاف از پرداخت سهمیه کرده است ، البته آن مرجع قضائی هم بآن مالک رجوع می کند و میگوید آن رسید بانکی که دریافت داشته ای بیاور اگر آن را ارائه داد که پرداخت کرده است خیلی خوب و اگر پرداخت نکرد این مرجع اقدام قضائی خود را می کند در این قسمت خیال نمی کنم که اشکالی باشد .

رئیس - آقای عمیدی نوری

عمیدی نوری - عرض کنم که در این ماده تکانی بنظر بنده می آید که ناقص است شاید بنده کاملاً نفهمیده باشم در این صورت بنده را روشن بفرمائید این جا نوشته شده است هر يك از مالکین باید سهمیه سالیانه خود را که طبق ماده ۲ تعیین میشود تا پایان مهر ماه هر سال بپردازند من خیال میکنم آقایانی که این قانون را نوشته اند شاید توجه نداشته باشند که عواید املاک پایان مهر ماه وصول نمیشود و اصلاً مأخذ این مهر ماه صحیح نیست ، در مهر ماه شاید عواید شتوی که باصطلاح گندم و جو هست کاملاً برداشت نشود مملکتی است وسیع با کلیماهای مختلف در این مملکت اقلیم های مختلف داریم در خوزستان در فروردین وارد بهشت محصول برچیده میشود در نقاط کوهستانی شاید تا آبان و آذر میشود این از حیث گندم وجود در قسمتهای شمالی که بهره برداری برنج میشود موقع دیگری دارد بنابراین چرا پایان سال را در نظر نگیریم بهمین جهت یکی از تکانی که مورد اصلاح بنده است پایان سال است که بنده پیشنهاد داده ام دوم این است که يك عبارت غیر قضائی و غیر مفهومی درش هست و آن اینست که در صورتی که مالک در پرداخت سهمیه خود کوتاهی نماید این کوتاهی نماید معنی ندارد همچو چیزی ما نداریم چون ضامن اجرا يك امر محقق لازم دارد کوتاهی تعبیرات خیلی مفصلی دارد يك جانی اداره فرهنگ دلش میخواهد رعایت کند ممکن است ۱۰ سال هم بنظرش نیاید يك جا یک دقیقه تأخیر را کوتاهی بداند این کوتاهی معنی ندارد که ضمانت اجرا برایش قائل شویم باید بگوئیم در پایان سال که موقع تمهیدش است اگر دو ماه يك دیگر تأخیر کرد و نداد میتواند همچو چیزی بخواهد اینهم جزو پیشنهادات بنده است که خواستم عرض کنم بنظر بنده باید اصلاح شود دیگری آنست که البته همه ماعلاقه داریم که فرهنگ توسعه پیدا کند يك وقت بصورت پرداخت سهمیه تمام افراد این مملکت میخواهند درش

شرکت کنند يك وقت است که میگوئیم مالک که یکی از افراد مملکت است متناسب اینسکه در ملکی سهمی دارد و عواید آن جا را بر میدارد سهم خودش را باید بآنجا کمک کند که همانطور که فرمودند خیلی از مالکین بنا بر وظیفه ای که دارند خودشان این کار را میکنند عده ای عکس آنرا دارند و قطعاً وزارت فرهنگ بیش از همه در این مطلب سابقه دارد خوب حالا که این محصول موجود هست در اختیار وزارت فرهنگ که هر سال میتواند توقیف کند و سهمیه را برداشت کند آیا صحیح است که ما بگوئیم از سایر دارائی او هم وصول کنند از تباط این شخص بعنوان مالک که او هم يك فردی است از افراد ملت ایران اگر جناب آقای پرفسور جمشید اعلم موافق و علاقه مند هستند البته میباید از کار میکنند و کمک میکنند بوزارت فرهنگ ، اما در موقعی که در محکمه کار میکنند بنظر بنده خیال نمیکنم از عایدات محکمه ایشان بشود برای ساختن مدرسه بدهند بنابراین از مالک من باب مالکیت از محصولش هر چه میخواهید بگیرید اما اگر همان مالک وکیل عدلیه هم بود فرض کنید دارد محاکمه میکند يك حق الوکاله ای هم دارد بعنوان اینکه کافی نیست آن محصول بیاید حق الوکاله او را توقیف کنید نمیدانم این کار منطقی هست یا نه چون هر عملی باید منطقی باشد اگر بحث من باب مالک و زارع است این ارتباط منحصر آ به محصول تعلق دارد از او هر چه میخواهید بگیرید به علاوه عایدی نقد و موجود را ول کنید و بیاید دنبال مالک که عایدی خارجش را توقیف کنید اثاثیه خانه اش را توقیف کنید در صورتی که ممکن است آفت بیاید خرج قناتش را بدهد صدی پنجاه بدهد با این وصف بیاید و اثاثیه خانه اش را هم ببرد اگر اینرا عادلانه میدانید من حرفی ندارم بنده معتقد هستم که همیشه باید سعی کرد قوانین جنبه افراطی پیدا نکند جنبه تعقیب پیدا نکند در مملکتی که ۸۰ درصدش کشاورز است و باید نهضت کشاورزی بوجود بیاید باید تشویق کنیم همین هائی که اسمشان مالک است و محدودیت مالک را تا ۴۰ هکتار برایشان قائل شدیم اقبلا اینها را وادار کنیم که کار کنند ، فعالیت کنند دلیند بآبادی املاک بشوند نه این که يك وسایل دیگری هم بوجود بیاید که در حدود مالکیت محدودی که باید آن ملک را آباد کنند باعث دلسردی آنها بشود که آن کار را هم نکنند باین جهت است که بنده معتقد هستم که اجرائیه ای که صادر میشود جناب آقای وزیر فرهنگ از محصول

ملک سهمیه او را بردارند تمام محصول را توقیف و حراج کنند والا اینکه نوشته شده است محصول یا سایر این (با) راه که گذاشته اید بعضی جاها ممکن است سوء تعبیر بشود ممکن است مأمور وصول اداره فرهنگ همینطور که فرمودند در تمام افراد و آحاد این مملکت همه جور فکر هست هم خوب داریم هم بد داریم مالک خوب داریم و مالک بد هم داریم مأمورین خوب داریم ، مأمورین بد هم داریم بنابراین ممکن است که يك مأمور بد با تبابی مالک محصول موجودش را ول کند بعد بگوید از سایر اموال میخواهم وصول کنم وصول از سایر اموال هم بیفتد بدست انداز های عدلیه و او محصولش را بردارد بیفتد بدست انداز های عدلیه و محصول را برداشت کند مدرسه هم ساخته نشود بعد هم گرفتار بازداشت و اعتراض کردن و آن حرفهائی که ما در توی عدلیه در عملیات اجرائی داریم تمام این تجربه است و روی اطلاعاتی که دارم و باین جهت است که عرض میکنم بنده در این قسمت پیشنهاد اصلاحی داده ام که در موقع خودش مطرح خواهد شد .

رئیس - آقای صدر زاده بفرمائید .

صدر زاده (مخبر کمیسیون فرهنگ) - این جا صحبت مالک و زارع و این چیزها پیش آمد و يك قدری لایحه را سوق دادیم بیک مسأله ای که تأسف آور است اواخر دوره و انتخابات جدید هم هست و گاهی هم ممکن است مباحثی پیش بیاید که آدم حرفهائی بزسد ولی من حقایق را مقدم رایس ملاحظات میدانم آقایان بنده سالها و کالت عدلیه داشتم و بسیاری از نقاط را دیده ام بضرر قاطع بجناب عالی عرض میکنم همانطوریکه فرمودید مردمی هستند بسیار شریف مدرسه درست میکنند خدمات دیگر میکنند ولی بنده خودم در ایام جنگ دیدم که مالکی سهمیه قند و شکر رعیت را میگرفت و بآن بیچاره ها نمیداد این قانون برای همان اشخاص است (ذوالفقاری - همه اینطور نیستند) . اجازه بفرمائید جناب آقای ذوالفقاری در این جا خیلی ناراحت بشوید این شرایط برای آن افراد معدودی است که باصطلاح در کارهای اجتماعی تعاون میکنند اما این که جناب آقای عمیدی نوری جناب عالی فرمودید که آن وجوه را در پایان سال اخذ نمایند پایان سال که محصول نیست آن مالکی که میخواهند سهم خود را بدهد وقتی که محصول نباشد از کجا بگیرند پس يك موقعی را تعیین بفرمائید که محصول موجود باشد . والا اگر نظرتان این است که پایان سال بگیرند او که محصول را در مهر ماه برداشته از کجا بگیرند ؟

رئیس - آقای دولت آبادی بفرمائید .

دولت آبادی - بنده از اشخاصی بودم که میل داشتم بشینم گوش بدهم که زودتر این لایحه بگذرد اما متأسفانه باین نتیجه رسیدم که چنانچه مقام ریاست بیان فرمودند لوایحی که ازش سلب شور میشود و فوریت رسیدگی میشود درست در نقطه مقابل قرار میگیریم اما مطلبی که میخواستم بگویم اینست که این لایحه در جای خودش بسیار مفید است و نامردم کمک نکنند کار اساسی فرهنگ این مملکت بدون شك پیش نخواهد رفت اما عیبی که در این لایحه هست و من باید عرض کنم این است که ما تجارب بسیار تلخی داریم از قوانینی که مهم است و در اجراش دچار اشکال میشویم یعنی از يك قانونی که از ۱۵ سال پیش باین طرف آمده بود و از یاد کار های د کتر میلیسیو بود که آورده بود تمام امور نظری بود و اظهار نامه ها را همینطور نظری تنظیم می کرد برای يك نفر که در اصفهان که من خودم دیدم برای يك نفر کفاش ۶۰۰ هزار تومان پیش آگهی داده بود ما نباید مردم را در مقابل مطالبی قرار بدهیم که بدست مأمورین جزء تفسیر بشود باید در این جا بگوئید که نصف و یا ثلث مالک باید از عایدات خالص مثلاً ۵۰ درصد بدهد آن بهتر است آن چیزی که بنظر من نقیصه بسیار بزرگی در این لایحه است این است که مبهم است و صریح نوشته نشده و باین ترتیب چیزی عاید مملکت نمیشود و يك مشت ناراضی پیدا میشوند بدون این که مدرسه ساخته باشیم و نه از مالک چیزی وصول میشود که بنفع مملکت و هدف عالی ما باشد و نه مردم راضی هستند از این کار بنده میخواستم استدعا کنم که در این لایحه سعی کنید پولی که مالکین باید بدهند معین باشد و این مردم را در مقابل تعبیرات نا مناسب قوانین مهم قرار ندهید که به نتیجه نخواهد رسید و از تجارب تلخی که چند دفعه بنده این جا عرض کرده ام پند بگیریم زیرا که نتیجه نخواهیم گرفت .

رئیس - پیشنهادات قرائت می شود . (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم در سطر ۲ ماده دوم مهر ماه بآذر ماه تبدیل شود . محسن اکبر

وزیر فرهنگ - بنده موافقم .

رئیس - بنا بر این آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام بفرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد .

۸ - تعیین موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - چون چند پیشنهاد دیگر هم هست جلسه را ختم میکنیم ، جلسه آینده روز پنجشنبه و باقی پیشنهادات این لایحه مطرح میشود .

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت